



ایران شناس آمریکایی
رؤی پرویز متحده درگذشت



توسیع بازار
تاثیر تنش های سیاسی بر بازارهای مالی



ناگامی آزادی خواهی زنان
به مناسبت سالگرد صدور فرمان مشروطیت

آتش بس در بن بست

ترور اسماعیل هنیه معادلات غزه را پیچیده کرد



یادداشت روز

اهمیت جوانگرایی در کابینه

رئیس جمهور از تشکیل کابینه پیر بهره‌مند



سیدمصطفی هاشمی‌طبا
عضو شورای عالی مشورتی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

در چهاردهمین دور انتخابات ریاست جمهوری، مشارکت پایین مردم به خصوص در دور اول تعیین رئیس جمهور تعجب برانگیز بود. در دور دوم کمی افزایش یافت اما در مقایسه با دوره‌های قبل، باز هم چندان نبود. این حاکی از قهر و عدم اعتماد جامعه نسبت به صندوق رای است. جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان بر این مساله باید واکنش بیشتری نشان بدهند و کنش یا عدم کنش جامعه را بررسی کنند. لذا در این زمینه نوعی برگرداندن امید و اعتماد به بدنه قدرت بسیار لازم است. مردم احساس می‌کنند که هر فردی رئیس جمهور شود، چندان فرقی نمی‌کند و جامعه ما رها شده است. یعنی درحال تخریب است و کسی هم علاقه‌ای به رسیدگی ندارد. دو روش در این راستا باید به کار گرفته شود. نخست اینکه حکمرانی با مردم صادق باشد و به عدالت عمل کند. هر فردی و در هر جایگاهی اگر خلاف کرد با او برخورد کرده و شفافیت داشته باشد. زیرا ایجاد شفافیت تاثیر بسزایی بر پویایی جامعه دارد. دوم اینکه نقش مردم در حکمرانی برای آنها تشریح شود، یعنی گفته شود که چه حکمرانی‌ای خوب است و چه حکمرانی‌ای بد است. در بعضی شرایط حتی برخی از مردم فقط از روی احساسات رای می‌دهند و انتخاب درستی برای رای دادن ندارند. بنابراین، این مسائل وظیفه دولت است تا برای جامعه توضیح دهد. نتیجه چنین رفتارهایی احتمالاً می‌تواند برگشت جامعه و آشتی کردن با انتخابات باشد. در نتیجه می‌توانیم با شفافیت مردم را به آغوش دولت برگردانیم.

آقای پزشکیان رای آوردند و حال باید پس از مراسم تحلیف و تفیذ، وزرای پیشنهادی خود را به مجلس دوازدهم معرفی کند. طبق گفته خودشان قرار است که ۶۰ درصد کابینه زیر ۵۵ سال باشد، یعنی به نوعی جوانگرایی داشته باشیم. این بسیار خوب است. خود من وقتی وزیر بودم ۳۳ سال داشتم و معدل معاونان بنده ۲۷ سال بود. تجربه و پویایی کافی به ما در امر وزارت کمک بسیاری کرد. البته سن و سال چندان در این امور مهم نیست زیرا افراد باید توانایی و حوصله کار کردن داشته باشند. علاوه بر اینها، تجربه‌ای را در کار کردن لحاظ کنند که مفید بوده و نتیجه خوب و مثبتی داشته باشد. گاهی نفری را از دانشگاه می‌گذاریم رئیس برنامه و بودجه. این غلط است؛ زیرا آن فرد تجربه کار اجرایی بدان صورت نداشته است. لذا طبیعی است که در انجام و مدیریت کارها کم بیاورد و حتی کسانی که زیر دست آن رئیس کار می‌کنند هم به دلیل ناکارآمدی بالادستی‌هایشان، روند اشتباهی را در پیش بگیرند. بنابراین جوان یا مسن ندارد. زیرا ممکن است فرد سن و سال داری وزیر شود که تمام تجربیاتش با شکست مواجه شده است. بر همین اساس، ابتدا باید دقت کنیم که اگر سوابق کار آدم‌ها مثبت است، انتخابشان کنیم. البته توانایی‌های فکری و ذهنی نیز در این مجموعه باید گنجانده شود.

هر چند باز قابل تاکید است که هر چقدر سن کابینه جوان‌تر باشد، بهتر است اما با در نظر گرفتن مجموعه عواملی خاص. یعنی طوری نباشد که به هر قیمتی بخواهیم وزیر جوان بگذاریم. درحالی که تنها نکته آن وزیر، جوان بودن اوست و فاکتورهای دیگر مدیریت را ندارد. به نوعی کارنامه قابل قبولی داشته باشد.

این موضوع را نیز باید در نظر بگیریم که پایداری‌ها و گروه‌های تسدرو طوری برخورد می‌کنند که انگار باخت‌شان در انتخابات، زخم عمیقی برایشان بر جای گذاشته است؛ لذا آقای پزشکیان راه سختی برای پیشنهاد وزرایش برای دریافت رای صلاحیت از این گروه در مجلس دوازدهم در پیش دارد. البته باید دقت شود، افرادی بیایند که نقطه ضعفی نداشته باشند. در عین حال تایید وزرا هم چاره دارد و می‌شود با تعیین وزیر کارآمد، جلوی بهانه‌جویی‌ها را گرفت.

سازندگی نقش محمدجواد ظریف به عنوان معاون راهبردی رئیس جمهور را بررسی می‌کند:

دست راست رئیس جمهور



اکبر منتجبی
سردبیر

محمدجواد ظریف، معاون راهبردی و رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک رئیس جمهوری شد. او با حکم دکتر مسعود پزشکیان به این سمت منصوب شد. پیش از این ظریف اعلام کرده بود که در دولت آتی به دنبال پست و مقام نیست اما در جلسه‌ای که با برخی از روزنامه‌نگاران داشت، آنها از وی خواستند از این خواسته عقب‌نشینی کنند زیرا حضور او در کنار دکتر پزشکیان و کابینه آتی بسیار راهگشا خواهد بود و پزشکیان در بسیاری از امور به وی احتیاج خواهد داشت. محمدجواد ظریف، پیش از این رئیس شورای راهبری بود و به ابتکار او این شورا تشکیل شد تا افرادی که شایسته وزارت هستند، با مشورت نخبگان به رئیس جمهوری معرفی شوند. در جریان رقابت‌های انتخاباتی نیز ظریف یکی از مهم‌ترین عناصر پیروزی پزشکیان بود. او که خود در معرض کاندیداتوری در انتخابات قرار داشت، اعلام کرد نامزد انتخابات ریاست جمهوری نخواهد شد و زمانی که پزشکیان نامزد شد با وی دیدار و اعلام کرد از او حمایت خواهد کرد. پس از تایید صلاحیت پزشکیان نیز ظریف با تمام توان به حمایت از پزشکیان پرداخت و شهر به شهر برای حمایت از او سفر کرد و به تبلیغات وی پرداخت.

ادامه در صفحه ۲

احزاب

۵ تذکرو توصیه

درخواست حزب مجمع اینارگران از دولت برای بررسی عملیات تروریستی شهید اسماعیل هنیه

حزب مجمع اینارگران با عرض تسلیت شهادت مجاهد بزرگ: اسماعیل هنیه به مردم قهرمان فلسطین، به خصوص ساکنان نوار غزه همچنین خانواده شهید، این جنایت که مصداق نقض فاحش حقوق بشر و تجاوز به تمامیت ارضی کشوری مستقل است را محکوم کرده و دعوت مسئولان کشور را به خویشتن‌داری و پرهیز از اقدامات شتاب‌زده و بازی در میدانی که نتایج برای راهی خود در پی آن است، مصرانه خواستار رسیدگی و برخورد متناسب وفق قوانین بین‌المللی برای حفظ صلح و امنیت، اقدام وفق حقوق بین‌الملل از سوی سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن سازمان است. مجمع اینارگران نکات مهم مورد نظر مجمع را بدین شرح اعلام می‌نماید:

۱ از رئیس‌جمهور کشورمان با در نظر گرفتن حوادث مشابه ترور دانشمندان هسته‌ای و سانحه اخیر سقوط هلی‌کوپتر رئیس‌جمهور فقید، دستور دهند کمیته حقیقت‌یاب با تیم‌های تخصصی و کارشناسی جهت بررسی و رسیدگی دقیق تشکیل شود و نسبت به کشف حقیقت چنین رویدادهای سیاسی، امنیتی و نظامی اقدام اصولی به عمل آید.

۲ در شرایطی که با توجه به ضرورت ملی و خواست و مطالبه صلح‌جویانه مردم ایران، رئیس‌جمهور جدید پیام صلح و دوستی و تعامل با دنیا و توجه به حل مشکلات معیشتی مردم را مطرح کرده و پرهیز از جنگ و ستیز بی‌جهت و تنش‌زدایی در سیاست خارجی را سرلوحه قرار داده است در اولین روز بعد از مراسم تحلیف با یک عملیات تروریستی در این سطح بسیار مهم در داخل کشورمان، چرا باید پاسخ صلح‌طلبی خود را با ترور و خطر جنگ دریافت نماید؟! این حادثه تروریستی اول از همه ذهن‌ها را متوجه موضع تنش‌زدایی آقای پزشکیان کرده و ناخودآگاه به چالش کشیده شدن این موضع منطقی دولت جدید را یکی از اهداف شوم این ترور قلمداد می‌کند.

۳ در مورد مسائل و مأموریت‌های اطلاعاتی-امنیتی کشور باید از دستگاه و مکانیسم یگان‌های استفاده شود همچنین نسبت به منافع امنیتی اطلاعاتی و نفوذ دشمنان حساسیت جدی به وجود آید و هر چه سریع‌تر از زمان پس از روی کار آمدن احمدی‌نژاد یک بازسنجش اساسی صورت پذیرد و افراد غیرمطمئن اخراج و مجدد از نیروهای با سابقه مطمئن، فراخوان و دعوت به همکاری به عمل آید.

۴ اسرائیل غاصب پس از فاجعه انسانی در غزه به‌عنوان جنایتکار جنگی و تروریست دولتی به انزوا کشیده شده است، می‌خواهد ایران را در داخل یک نزاع بین‌المللی و حتی جنگ تمام‌عیار با دنیای غرب بکشاند و مفزق برای انزوای خود بیاید. در شرایطی که او رهبران مقاومت فلسطین و حزب سیاسی حماس را تهدید به ترور کرده و با وجود اینکه از اقامت و تردد شهید اسماعیل هنیه در قطر، ترکیه و مکان‌های دیگر نیز باخبر است اما محل اقدام تروریستی علیه او را در قلب پایتخت ایران انتخاب کرده و مورد هدف قرار می‌دهد؛ در نتیجه این پدیده مستلزم توجه بیشتری از این منظر بوده همچنین هشدار جدی به مقامات کشورمان درباره حفره‌های امنیتی آسیب‌زا به امنیت ملی کشور و منطقه است.

۵ اسرائیل هفته گذشته هم‌زمان با حمله به یمن به ایران هشدار داده بود! از سوی دیگر در موقعیت زمانی و مکانی فعلی در برگزاری مراسم تحلیف رئیس‌جمهور ایران چه الزامی وجود داشت تا از رهبران تراز عالی حماس و مقاومت که ضرورت حفاظت امنیتی ویژه‌ای در پیرامون ایشان می‌طلبید، دعوت به عمل آید تا اینگونه در عمل هم ظرفیت‌های سیاست بین‌المللی رئیس‌جمهور پزشکیان و هم ظرفیت‌های مقاومت در این سطح نیز در معرض تهدید و تهاجم تروریستی قرار گیرند؟!



اقامه نماز رهبر انقلاب بر پیکر شهید اسماعیل هنیه

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب صبح پنجشنبه با حضور در دانشگاه تهران بر پیکر شهید اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس و شهید و سیم ابوشعبان همراه شهید هنیه اقامه نماز کردند. مراسم اقامه نماز با حضور جمع زیادی از قشرهای مختلف مردم و مسئولان کشوری و لشکری و خانواده شهید اسماعیل هنیه و جمعی از مقاومت اسلامی فلسطین و لبنان برگزار شد. رهبر انقلاب اسلامی پس از اقامه نماز، با خانواده شهید اسماعیل هنیه و مسئولان مقاومت اسلامی فلسطین دیدار کردند و آنها را مورد تقدیر قرار دادند.

ادامه تیتربیک

دست راست رئیس‌جمهور

اکتون پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، او را به عنوان معاون راهبردی خود برگزیده است. این معاونت تا پیش از این وجود نداشت. حکم پزشکیان برای ظریف نشان‌دهنده آن است که رئیس‌جمهور ایران، دست راست خود را انتخاب کرده و از آنجایی که ایران همیشه درگیر مسائل کلان در حوزه‌های سیاست خارجی، سیاست داخلی، فرهنگ و اجتماعی است، نقش ظریف به عنوان یک مشاور امین و سالم که نگاه تیزبینی دارد، می‌تواند موثر باشد.

ایران، امروز در چند جبهه باید به تصمیم برسد: اول: جنگ غزه و حواشی آن است. حضور اسماعیل هنیه در ایران و شهادت او در یک عملیات تروریستی، ایران را در موقعیت خونخواهی او قرار داده است. ایران بارها اعلام کرده که از نیروهای آزادی‌بخش دنیا به خصوص فلسطینی‌ها حمایت می‌کند زیرا آنها برای استقلال و بازیگری وطن خود مبارزه می‌کنند. عملیات توفان‌الاقصی نیز اگرچه ایران در جریان آن نبود اما مورد حمایت مقامات ارشد ایران قرار گرفت.

در دوره ریاست‌جمهوری مرحوم سیدابراهیم رئیسی، وزارت خارجه ایران مذاکراتی را با آمریکا درخصوص برقرار صلح پایدار در غزه آغاز کرد اما در ادامه با سقوط بالگرد رئیس‌جمهور فقید ایران و وزیر خارجه ایران این مذاکرات متوقف شد. پیش از آن برخی از منابع اعلام کرده بودند که این مذاکرات با سه هدف آغاز شده است: «۱- برکناری نتانیاهو و تغییر دولت در اسرائیل ۲- پایان جنگ در غزه ۳- خاموش کردن بقیه جبهه‌ها». اکتون باید دید که در دوره جدید این مذاکرات آغاز می‌شود و به سرانجامی می‌رسد یا نه. طبعاً حضور ظریف در کنار وزیر خارجه آتی که عباس عراقچی است و هر دو مکمل همدیگر هستند، می‌تواند به مسعود پزشکیان در انتخاب تصمیم نهایی کمک کند.

دوم: قراردادی جدید با غرب است. از آنجایی که برجام را می‌توان تمام شده تلقی کرد به نظر می‌رسد ایران با غرب به خصوص آمریکا، نیازمند یک قرارداد جدید است که بتواند از طریق آن تحریم‌ها را بشکند و آنها را خنثی کند. بدون تردید بیشترین ناراضی‌هایی که در کشور وجود دارد به واسطه مسائل اقتصادی است و عمده‌ترین مشکلات و مصائب اقتصادی ایران نیز به دلیل وجود تحریم‌هاست. اقتصاد، ریشه اغلب بحران‌های داخلی است. جمهوری‌خواهان سال‌ها پیش در رد نظریه جنگ با ایران اعلام کرده بودند که ما با ایران نمی‌جنگیم اما اقتصاد آنها را ویران می‌کنیم تا از درون ایران، اعتراضات سر برآورد. در دوره ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا که یک جمهوری‌خواه است، وزارت خزانه‌داری آمریکا با هدف فروپاشی اقتصاد ایران، تحریم‌های سنگینی بر علیه ایران اعمال کرد که نتیجه آن تحریم‌ها، شکست کم مردم ایران، نابودی طبقه متوسط و گسترش فقر بود. حسن روحانی در روزهای آخر

نظرها بسیار تغییر کرده است. در دوره سه ساله گذشته بسیار تلاش شد با این خواست و تغییر ذائقه عمومی برخورد شود. برقراری گشت‌های ارشاد، شاخ‌وشانه کشیدن برای زنان، تحقیر دختران که از دل جامعه آغاز شد و به چهره‌های فرهنگی کشیده شد همگی نشان داد که وزارت کشور دولت پیشین، با آگاهانه یا ناآگاهانه سیاستی را برای تقابل و دوقطبی‌سازی و رودرو کردن مردم با مردم در پیش گرفته است. بسیاری از چهره‌های اصولگرا و دلسوز نسبت به عوارض گشت ارشاد هشدار دادند اما نه تنها توجهی به آنها نشد بلکه تقابل جدی‌تر از قبل شد.

ایسن وضعیت در حوزه اینترنت نیز گویا بود. درحالی که مسئولان و سیاستمداران و مدیران ریزودرشت دولتی و حکومتی در شبکه‌های اجتماعی دارای صفحات خصوصی و شخصی بودند و بدون فیلتر به این شبکه‌ها دسترسی داشتند، مردم عادی با فیلترینگ روبه‌رو بودند. در واقع استفاده از شبکه‌های اجتماعی به خودی و غیر خودی تقسیم شده بود.

عده معدودی از مدیران و حواریون آنها بدون فیلتر به همه جا دسترسی داشتند و عده زیادی از مردم حتی با استفاده از فیلترینگ نمی‌توانستند به شبکه‌های اجتماعی دسترسی داشته باشند. این دوگانه‌سازی که از وزارت ارتباطات دولت مرحوم رئیسی آغاز شد و به شورای عالی فضای مجازی تسری یافت همچنان ادامه دارد و ظریف باید برای این موضوع راهبردی جدید اتخاذ کند. او می‌تواند در کنار وزرای آتی کشور و ارتباطات، کنار رئیس‌جمهور پزشکیان حلقه جدیدی برای کنار گذاشتن گشت‌های ارشاد، نور و ... و نیز شکستن فیلترینگ به وجود بیاورد و نقطه پایانی بر این دوگانه‌سازی باشد.

چهارم: حکم رئیس‌جمهوری برای محمدجواد ظریف، یک روی دیگری هم داشت. رئیس‌جمهور، ظریف را هم‌زمان که به عنوان معاون راهبردی منصوب کرد، ریاست مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری را هم به ظریف سپرد. در واقع شایسته یک مرکز تحقیقاتی را به معاونت ریاست‌جمهوری ارتقا داد. تاریخچه مرکز بررسی‌های ریاست‌جمهوری، که هاشمی‌رفسنجانی بنیان آن را گذاشت، نشان‌دهنده این است که این نهاد چشم‌بینایی بوده و تحولات آتی را به خوبی دیده و بررسی و گوشزد کرده است. چه آنکه دوم خرداد از دل این مرکز بیرون آمد. تحولات اجتماعی را این کارشناسان مرکز زودتر از دیگران دیدند و دریافتند و اکتون نیز پزشکیان با یک تیر دو نشان زده است. هم توجه به کار کارشناسی را پیش از قبل کرده است و هم این امیدواری را به وجود آورده که ظریف در این مرکز حلقه وصل دولت با مردم، اندیشکده‌ها و نهادهای مدنی نظارتی همچون کمند باشد. به این ترتیب از هم‌اکنون باید منتظر اتفاقات خوبی بود که در راه است.

ریاست‌جمهوری خود در تلاش بود که با احیای برجام، دوباره وضعیت را به ماقبل برگرداند اما نه این اجازه را یافت و نه توفیقی در آن داشت. ابراهیم رئیسی نیز به‌رغم اینکه با وعده احیای برجام رئیس‌جمهور شده بود اما به این وعده پشت کرد و به سوی روسیه و چین چرخید. نتیجه آنکه نارضایتی‌ها افزایش یافت و منجر به بحران‌های بزرگ اجتماعی در ایران شد. اکتون پزشکیان باید با محمدجواد ظریف و در کنار عباس عراقچی راه‌حل جدیدی برای عبور از تحریم‌ها، شکست آنها و خنثی‌سازی این بلای بزرگ پیدا کند. به نظر می‌رسد آنها راهی جز گفت‌وگوهای جدید و موثر که به نتیجه برسد، ندارند. باید به دنبال قرارداد جدیدی برای ایران باشند.

سوم: از دیگر کارهایی که معاون راهبردی رئیس‌جمهور باید انجام دهد، توجه به جامعه ایرانی است. جامعه ایرانی در سال‌های اخیر به شدت تغییر کرده است. از سبک زندگی تا خواسته‌ها و

حکم پزشکیان برای ظریف

سیاست‌های کلی مصوب مقام معظم رهبری مدظله العالی» را رصد کرده، مستقیماً به این‌جناب منعکس نماید؛ در انجام این وظیفه توجه به تعهدات انتخاباتی و ظرفیت‌های نظارتی مردمی ضروری است. به منظور جلوگیری از اضافه کردن ساختار و تشکیلات جدید و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود شایسته است، مسئولیت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری را بر عهده گرفته و وظایف و کارویژه‌های این مرکز را به تشکیلات مناسب برای معاونت راهبردی ریاست‌جمهوری تبدیل کنید. بدیهی است به منظور اجرای وظایف این معاونت، دستگاه‌ها و نهادهای دولتی همکاری لازم را به عمل خواهند آورد».

آقای پزشکیان در حکم خود خطاب به محمدجواد ظریف آورده است: «به استناد اصل یکصدویست‌وچهارم قانون اساسی و با توجه به مراتب شایستگی و تجارب ارزشمند مدیریتی، سوابق دانشگاهی و اجرایی به موجب این حکم جناب‌عالی را به سمت معاون راهبردی رئیس‌جمهور منصوب می‌نمایم. انتظار می‌رود با بهره‌گیری از تجربه‌های انباشته مدیران ارشد کشور در دهه‌های گذشته و توانمندی‌های گسترده علمی تخصصی و کاربردی نخبگان اندیشکده‌ها و نهادهای جامعه مدنی تحولات کلان داخلی و بین‌المللی و میزان توفیق در دستیابی به اهداف قانون اساسی سند چشم‌انداز و

توضیح ظریف برای پذیرفتن این حکم

نشود و باری بر بودجه دولت و سفره مردم نباشد. ۲ هیچ تداخلی در کار دستگاه‌ها ایجاد نشود. ۳ هیچ دستگاهی تضعیف نشود. ۴ حلقه وصل دولت با مردم، اندیشکده‌ها و نهادهای مدنی نظارتی همچون کمند باشد. ۵ با توجه به اصرار دکتر پزشکیان و تأکیدات بنده در دوران انتخابات و نیز در سه هفته ریاست بر شورای راهبردی مبنی بر استفاده از فکر نو و توانمندی‌های جدید (که امیدوارم و می‌کوشم با درایت و شجاعت دکتر پزشکیان عزیز حاصلش در ترکیب هیات دولت، کام مردم را شیرین کند) از یک‌سو و ضرورت بهره‌گیری از تجربه انباشته مدیران با تجربه ۴۰ سال گذشته از سوی دیگر، مسئولیت جدید بتواند جایگاهی رسمی برای این مهم ایجاد کند. ضمن تشکر از تذکر سنده جنابعالی، امیدوارم در این مسیر بنده را از راهنمایی خود محروم نفرمایید.

محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهور در شبکه‌های اجتماعی در پاسخ به یک کاربر در انتقاد به حکم جدید خودش نوشت: قرار نداشتیم در این دولت مسئولیتی را قبول کنیم ولی نگرانی، دلخوری و اصرار هم‌میهنان بزرگوار، به‌ویژه در فضای مجازی، در چند روز گذشته باعث شد که ناگزیر شوم آن نگاه را قدری تغییر دهم؛ ولی در حد رسمیت یافتن یک مسئولیت مشورتی که بارها گفته بودم در خدمت رئیس‌جمهور عزیز خواهم بود. پیشنهاد بیشتر دوستان پذیرفتن معاونت سیاسی رئیس‌جمهور بود. اما آن سمت از یک‌سو مسئولیتی اجرایی بود و از سوی دیگر، باعث تداخل در وظایف و شایسته تضعیف وزارتخانه‌های سیاسی می‌شد که آن را به مصلحت ندانستم. بر این اساس پیش‌نویس حکم معاونت راهبردی رئیس‌جمهور با چند هدف تهیه شد و با امضای تقدیم‌آمیز ریاست محترم جمهوری رسمیت یافت: ۱ هیچ دیوان‌سالاری و سازوکار جدیدی درست

دیدگاه: گزارش خارجی

بازگشت به خانه

بزرگ‌ترین تبادل زندانی تاریخ غرب با روسیه
از زمان جنگ سرد با میانجیگری ترکیه انجام شد

سه آمریکایی از جمله ایوان گرشکویچ، خبرنگار وال استریت ژورنال، که در تبادل زندانیان میان غرب و روسیه آزاد شده بودند، به خاک ایالات متحده رسیدند و جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا و کامالا هریس، معاون او از آنها در یک پایگاه نظامی در واشنگتن استقبال کردند. این اقدام در حالی انجام شد که پنج‌شنبه دولت ترکیه خبر داد که ۲۶ نفر در جریان تبادل بزرگ زندانیان بین روسیه و بلاروس از یک طرف و ایالات متحده، آلمان و سه کشور اروپایی دیگر از سوی دیگر مبادله شده‌اند. این رویداد که ترکیه میانجی آن شد، بزرگ‌ترین تبادل زندانی تاریخ آمریکا و غرب با روسیه از زمان جنگ سرد است. آن‌طور که گزارش شده ۷ هوایما در فرودگاه آنکارا، پایتخت ترکیه، این تبادل زندانیان را با میانجیگری سازمان اطلاعاتی ترکیه انجام دادند. علاوه بر گرشکویچ، پل ویلان، کهنه‌سرباز نیروی دریایی آمریکا و آلسو کورماشوا، روزنامه‌نگار رادیویی روس - آمریکایی هم در میان زندانیان مبادله شده‌اند.

پس از فرود آمدن هوایما حامل زندانیان آمریکایی در پایگاه اندروز در مرلند، گرشکویچ، کورماشوا و ویلان از هوایما خارج شدند و مورد تشویق کسانی که به استقبال آنها رفته بودند، قرار گرفتند. در روسیه هم ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه شخصاً با دسته‌های گل در فرودگاه ونوکو مسکو از روس‌های آزاد شده، استقبال کرد.

همچنین از یک مخالف روی به نام ایلیا یاشین و یک آلمانی به نام ریکو کریگر نام برده شده است که به ترتیب در روسیه و بلاروس زندانی بودند. اعضای خانواده زندانیان آمریکایی پیش از این در کاخ سفید در کنار جو بایدن حضور یافتند سپس به فرودگاه نظامی رفتند. بایدن قبل از بازگشت آنها از آزادی آنها استقبال کرد و گفت: «مصائب وحشیانه آنها به پایان رسیده است». او نقش متحدان آمریکا به ویژه آلمان و اسلونی را ستود و آزادی ویلان، گرشکویچ، خانم کورماشوا همچنین ولادیمیر کارا مورزا، منتقد برجسته کرملین را «شاهکار دیپلماسی» خواند. سه آمریکایی آزاد شده برای معاینه‌های پزشکی به یک مرکز پزشکی ارتش آمریکا در تگزاس منتقل خواهند شد.

گفته شده ولادیمیر کارا - مورزا، منتقد سرشناس کرملین، بخشی از این تبادل زندانیان است. جو بایدن ظهر پنج‌شنبه درحالی که اعضای خانواده زندانیان آمریکایی کنار او بودند در کاخ سفید به خبرنگاران گفت که این تبادل زندانی بزرگ که حاصل همکاری چند کشور بوده، شاهدهی است بر «اهمیت همکاری و حفظ شرکای بین‌المللی ایالات متحده». او در پاسخ به خبرنگاران که پرسیدند آیا این تبادل زندانی روزنه دیپلماتیک جدیدی میان مسکو و واشنگتن است و اینکه آیا بایدن تمایلی برای گفت‌وگو مستقیم با ولادیمیر پوتین دارد، گفت: «من نیازی به صحبت کردن با پوتین نمی‌بینم». جو بایدن همچنین در پاسخ به پرسشی که به ادعای دونالد ترامپ برای «آزادی زندانیان و گروگان‌های آمریکایی بدون نیاز به دادن هیچ امتیازی» اشاره می‌کرد، گفت: «اگر می‌توانست چسرا (در دوران ریاست جمهوری خود) این کار را انجام نداد؟»

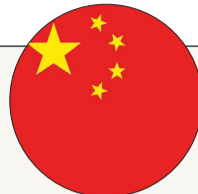
ترکیه اعلام کرد که وادیم کراسیووکوف، یک مأمور اطلاعاتی روسیه که در آلمان زندانی بود، یکی از ۱۰ روس آزاد شده است. او به جرم قتل یک فرمانده سابق چینی و از مخالفان کرملین در پارک برلین در سال ۲۰۱۹ به حبس ابد محکوم شده بود. مقام‌های آلمانی وادیم کراسیووکوف را به‌عنوان سرهنگ آفاس‌بی، سرویس امنیت فدرال روسیه، شناسایی کردند. این مبادله پس از بیش از ۱۸ ماه مذاکره به نتیجه رسید و به نظر می‌رسد به خواست مسکو برای بازگرداندن وادیم کراسیووکوف بستگی داشت. انتظار می‌رود طی این توافق ۸ تبعه روس از جمله چند نفر که به ارتباط با نهادهای اطلاعاتی روسیه مظنون هستند به این کشور بازگردانده شوند.

منبع: بی‌بی‌سی



دیدار عارف و تمیم

دیوان امیری قطر اعلام کرد که شیخ تمیم بن حمد، امیر قطر در دفتر خود در کاخ لوسیل با محمد رضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور ایران و هیات همراه درباره تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی دیدار و گفت‌وگو کرد. این در حالی است که محمد رضا عارف در رأس هیاتی از سوی دولت (جمعه) تهران را به مقصد دوحه برای حضور در مراسم تشییع پیکر اسماعیل هنیه ترک کرده بود.



حمایت ۱۰ کشور

وزارت خارجه چین اعلام کرد لی هویی، نماینده ویژه پکن در امور اوراسیا به برزیل سفر کرد تا با سلسو موریم، نماینده ویژه ریاست‌جمهوری برزیل در امور بین‌الملل درباره درگیری‌های اوکراین گفت‌وگو کند. پکن اعلام کرده «چین و برزیل به صورت مشترک اجماع ۶ ماده‌ای را برای حل و فصل بحران اوکراین منتشر کردند و بیش از ۱۱۰ کشور از آن اعلام حمایت کرده‌اند».



پیروزی مخالفان مادورو؟

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا اعلام کرده: «شواهد قاطعی وجود دارد که مخالفان دولت ونزویلا در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر پیروز شده‌اند. او در یک بیانیه گفت که «با توجه به شواهد فراوان برای ایالات متحده و مهم‌تر از همه برای مردم ونزویلا واضح است که ادموندو گوتزالس اورونیا بیشترین آرا را در انتخابات ریاست‌جمهوری ونزویلا در ۲۸ جولای به دست آورده است».

آتش بس در بن بست

بایدن ترور اسماعیل هنیه را مانعی برای تحقق آتش بس غزه خواند



پس از ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، انبوهی از تحلیل‌ها و اظهارنظر مقامات منطقه‌ای و فرماندهی‌های از سوی رسانه‌ها منتشر شد که این روند همچنان هم ادامه داشته و به نوعی نشان از اهمیت موضوع برای تمامی دولت‌ها دارد. در این راستا، آنچه که به عنوان یک محور بسیار مهم مدنظر قرار دارد این است که یک نگاه منفی‌تر از گذشته درخصوص مواجهه با اسرائیل میان کشورهای منطقه شکل گرفته که درون‌مایه آن، اذعان به تشدید تنش و بحران از سوی مقامات اسرائیل است. به‌عنوان مثال احمد عطا، وزیر امور خارجه الجزایر و ایمن الصفدی، معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه اردن (جمعه) در تماس تلفنی با علی باقری، سرپرست وزارت امور خارجه کشورمان در وهله اول ترور اسماعیل هنیه را نقض حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی جمهوری اسلامی ایران دانستند و در گام بعد، از ابتکار تهران در برگزاری نشست فوری سازمان همکاری اسلامی برای مقابله با اقدامات اسرائیل حمایت کردند.

روند تبادل نظر میان تهران و کشورهای منطقه از همان ابتدای امر به‌خصوص طی روزهای گذشته به اینجا ختم نشد و این موضوع ادامه دارد و در این بین مقامات ایران صراحتاً اعلام کرده‌اند که هدف قرار دادن رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران ضمن نقض مقررات بین‌المللی، عبور مشهود از خط قرمزهای تهران به حساب می‌آید و بی‌تردید جمهوری اسلامی ایران قانون و عدالت را بدون هیچ تسامحی درباره اسرائیل اجرا خواهد کرد. در این راستا باید توجه شود که اساساً مواضع ایران در مورد این اقدام اسرائیل کاملاً روشن است و به موازات آن جریان‌های مقاومت در منطقه اعم از حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، حشدالشعبی عراق و تمام گروه‌های فلسطینی به این موضوع اشاره کرده‌اند که به زودی پاسخ این اقدام اسرائیل در سطوح و ابعاد گوناگون داده خواهد شد اما در این میان باید متوجه بود که برخی دیگر از کشورهای منطقه به صورتی دیگر وارد چالش با اسرائیل شده‌اند. به عنوان مثال قطری‌ها در همان ابتدای امر این ترور را محکوم کردند و به صورت علنی اعلام کردند که این اقدام اسرائیل می‌تواند، منطقه را با بحران رویه‌رو کند و از سوی دیگر بر این مساله تأکید کردند که چنین اقداماتی می‌تواند آتش بس در غزه را به صورت کلی از بین ببرد. به‌عنوان نمونه، محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر علاوه بر اینکه در گفت‌وگو با مقامات کشورمان ترور هنیه را محکوم کرد، در بخشی از مواضع اخیر خود نسبت به این مساله صراحتاً اعلام کرد که چگونه می‌توان مذاکرات آتش بس را درحالی پیش برد که یک طرف مذاکره، طرف دیگر را می‌کشد؟ از منظری دیگر باید توجه داشت که در کشوری مانند اردن، الجزایر یا ترکیه، افکار عمومی به شدت علیه اسرائیل واکنش نشان داده‌اند. در ترکیه سازمان دیانت این کشور با اعلام فراخوان از مردم ترکیه برای اقامه نماز غیابی میت برای اسماعیل هنیه دعوت به عمل آورد و در همان زمان در دوحه مراسم تشییع پیکر هنیه با حضور مقامات کشورهای اسلامی و عربی در مسجد محمد بن عبدالوهاب واقع در پایتخت قطر برگزار شد که از سوی ایران محمد رضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در این مراسم حضور یافت.

نکته مهمی که در این خصوص و در اتمسفر فعلی باید مورد نظر قرار بگیرد این است که اسرائیل درحال تحمل شدیدترین



منتظر این موضوع باشیم اما این گمانه‌زنی‌ها نه تنها محقق نشد بلکه حالا شاهد اتفاقاتی هستیم که به صورت کلی تمام تئوری‌های سیاسی موجود را به حاشیه برده است. در این میان (جمعه) رویترز به مکالمه تلفنی بنیامین نتانیاهو و جو بایدن درخصوص شرایط جاری خاورمیانه اشاره کرد و به نقل از رئیس‌جمهوری آمریکا نوشته که وی اعلام کرده: «ترور اسماعیل هنیه کمکی به دستیابی به توافق آتش بس نمی‌کند». در ادامه گزارش رویترز آمده که بایدن اعلام کرده، گفت‌وگوی وی با نتانیاهو بسیار صریح بوده و به او گفته که از تنش‌ها در منطقه نگران است.

به موازات انتشار این اظهارات بایدن، خبرگزاری آناتولی هم به گفت‌وگوی اردوغان و بایدن اشاره داشته که در آن رئیس‌جمهوری ترکیه اذعان کرده، نتانیاهو در طول این مدت نشان داده که خواهان آتش بس و صلح نیست و سخنرانی اخیر وی در کنگره آمریکا باعث ناامیدی عمیق در ترکیه و جهان شده است. این مواضع به خوبی گویای آن است که بایدن حداقل تا انتخابات نوامبر نمی‌تواند نتانیاهو را مهار و او را مجاب به پذیرش آتش بس در غزه و توافق بر سر تبادل زندانیان کند. این در حالی است که همین حالا بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و حتی اروپا در مورد اوضاع و احوال منطقه نگران هستند و به خوبی می‌دانند که در این شرایط نتانیاهو به هیچ موضوعی فکر نمی‌کند جز تشدید و توزیع بحران در منطقه تا بتواند این روند را تا انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا پیش ببرد تا بلکه شاید پیروزی احتمالی ترامپ برای او بتواند گشایش‌هایی را حاصل کند. این درحالی است که داده‌ها نشان می‌دهد، ارتش اسرائیل جمعه به کرانه باختری یورش برده و علاوه بر درگیری با ساکنان آن، چندین نفر را هم بازداشت کرده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد، اقدامات اسرائیل مجدداً درحال تهاجمی‌تر شدن است و به نظر می‌رسد که علاوه بر بایکوت آتش بس غزه باید منتظر اقدامات جدید از سوی نظامیان در مرزهای جنوبی (غزه) و شمالی (هم‌مرز با جنوب لبنان) باشیم که بدون شک تشدید تنش در چند محور را در بر خواهد داشت.

شوکی‌های سیاسی و میدانی از خارج و حتی داخل است. برای مثال سفارت ترکیه در تل‌آویو به احترام اسماعیل هنیه، پرچم خود را به حالت نیمه‌افراشته درآورد و همین موضوع باعث شد تا اسرائیل کاتس، وزیر خارجه اسرائیل در بیانیه‌ای اعلام کند: «اسرائیل مشارکت در عزاداری فردی چون اسماعیل هنیه را نمی‌پذیرد». چندی بعد از این هم رسانه‌ها اعلام کردند، معاون سفیر ترکیه در تل‌آویو توسط دستگاه دیپلماسی اسرائیل احضار شده است.

مرگ آتش بس غزه؟

با گذر از تمام این مسائل، آنچه در شرایط کنونی به عنوان یک سوال بزرگ مطرح می‌شود این است که تکلیف آتش بس در غزه چه خواهد شد و عملاً قرار است این موضوع به چه سمت‌وسویی پیش برود؟ واقعیت غیر قابل انکار این است که طی حدود ۱۰ ماه گذشته که جنگ در غزه جریان داشت، بارها و بارها مذاکرات برای اجرای آتش بس و حتی تبادل اسرا انجام شد که در این میان قطر به عنوان میانجی اصلی و مصر به عنوان میانجی دوم، نقش مشخص خود را با هدایت ایالات متحده ایفا کردند. حتی در این راستا ویلیام برنز، رئیس آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) بارها به قطر سفر و در آنجا با همتای اسرائیلی خود ملاقات کرد و نسبت به این پرونده تبادل نظر انجام شد ولی باز هم هیچ خروجی خاصی را شاهد نبودیم. از سوی دیگر براساس گزارش رسانه‌های غربی، بیشترین تعداد سفر از سوی مقامات آمریکا مانند آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده و سسایرین طی ماه‌های گذشته به تل‌آویو ثبت شده که نشان از حمایت تمام‌قد واشنگتن دارد اما باز هم مانعی به نام «نتانیاهو» نگذاشت که آتش بس در غزه و حتی طرح آمریکا برای بحران فعلی به نتیجه برسد و هر دفعه شاهد یک سناریوی جدید برای تعویق این موضوع بودیم.

در آخرین مورد، سفر نتانیاهو به واشنگتن و دیدار با بایدن این گمانه‌زنی را تقویت کرد که آمریکا، وی را برای پذیرش آتش بس تحت فشار قرار خواهد داد و به زودی باید

دریچه: تحلیل عادات

توانایی بررسی خود

چرا ارزیابی عملکرد ضروری است؟



حسن محرابی
پژوهشگر

بهترین بودن و حرکت به سمت رشد آرزوی هر فردی در زندگی است اما برای رسیدن به این آرزوها چه باید کرد؟ مهم‌ترین عامل در این مسیر شناخت درست و کافی از خود انسان است.

به زبان ساده، خودارزیابی و توانایی بررسی خود برای پی بردن به میزان پیشرفت یکی از مهم‌ترین دستاوردهاست. این کار مستلزم آن است که افراد توانایی‌های خود را بررسی کنند و نقاط قوت و ضعف خودشان را بشناسند. بزرگ‌ترین مزیت این کار برای انسان‌ها، اعتماد به نفسی است که به آن‌ها می‌دهد. روند مستمر خودارزیابی توسط افراد و رشد فردی متعاقب آن، برای همه بسیار ارزشمند است. خودارزیابی و بازخورد مستمر کمک زیادی به فرهنگ اعتماد و حرکت در مسیر موفقیت می‌کند.

البته ارزیابی از خود همیشه در زندگی روزمره اتفاق می‌افتد. ما این کار را از کودکی انجام می‌دهیم. این امر مبتنی و متکی بر نحوه یادگیری و رشد است. در زبان فارسی یک ضرب‌المثل داریم که اول به خود یک سوزن بزیند بعد به دیگران جوالدوز! این ضرب‌المثل ناشی از همین تربیت است و یکی از معانی مهم آن همین است که ارزیابی از خود قبل از قضاوت در مورد دیگران اهمیت دارد. به همین دلیل است که بررسی عملکرد فردی در آموزش به طور فزاینده‌ای به عنوان یک ابزار یادگیری ارزشمند مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته متأسفانه همان‌طور که به سمت بزرگسالی پیش می‌رویم، فرآیند بررسی عملکرد، اغلب مورد توجه قرار نمی‌گیرد زیرا چنان درگیر مسایل و اتفاقات روزمره می‌شویم که آن را فراموش می‌کنیم!

در این حکایت کوتاه می‌توان به روشنی به اهمیت ارزیابی عملکرد پی برد. پسر کوچکی وارد مغازه‌ای شد، جعبه نوشابه را به سمت تلفن هل داد. روی جعبه رفت تا دستش به دکمه‌های تلفن برسد و شروع کرد به گرفتن یک شماره تلفن. مغازه‌دار متوجه پسر بود و به مکالماتش گوش می‌داد. پسر پرسید: خانم، می‌توانم خواهش کنم کوتاه کردن چمن‌های حیاط خانه‌تان را به من بسپارید؟ زن پاسخ داد: کسی هست که این کار را برایتان انجام می‌دهد. پسر گفت: خانم، من این کار را با نصف قیمتی که او انجام می‌دهد، انجام خواهم داد. زن در جوابش گفت از کار این فرد کاملاً راضی است. پسرک بیشتر اصرار کرد و پیشنهاد داد: خانم، من پیاده‌رو و جدول جلوی خانه را هم برای‌تان جارو می‌کنم. در این صورت شما در یک‌شنبه زیباترین چمن را در کل شهر خواهید داشت. مجدداً زن پاسخ منفی بود. پسرک در حالی که لبخندی بر لب داشت، گوشی را گذاشت. مغازه‌دار که به صحبت‌های او گوش داده بود به سمتش رفت و گفت: پسر... از رفتار خوشم آمد؛ به خاطر این که روحیه خاص و خوبی داری دوست دارم کاری به تو بدهم. پسر جوان جواب داد: نه ممنون، من فقط داشتم عملکردم را می‌سنجیدم. من همان کسی هستم که برای این خانم کار می‌کند.

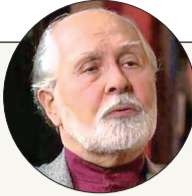
البته غالباً ارزیابی عملکرد برای افراد کمی دلهره‌آور است. آن‌ها می‌ترسند که اندازه‌گیری عملکرد منجر به ظاهر شدن کاستی‌ها شود و در آن صورت مورد تمسخر یا نقد دیگران واقع شوند اما باید بدانیم که در نهایت مطالعه عملکرد به منظور بهبود رفتارها و اقدامات افراد است. ارزیابی عملکرد می‌تواند به افراد نشان دهد که در چه مواردی نیاز به بهبود دارند و در چه زمینه‌هایی مهارت کافی به‌دست آورده‌اند. در مجموع ارزیابی از خود می‌تواند باعث شود، فرد احساس قدرت کند زیرا ضعف‌ها را شناخته، آن‌ها را ترمیم می‌کند و با شناخت نقاط قدرت، آن‌ها را با آگاهی تقویت می‌کند. در واقع وقتی برای خودمان سخت می‌گیریم، نیازی نیست گرفتار سخت‌گیری دیگران شویم. بنابراین خودارزیابی، زمانی که بدون تعصب و با هدف بهبود تکمیل شود، می‌تواند یک ابزار عالی برای بررسی عملکرد بوده و تأثیر بسیار فراوانی بر رشد شخصی و حرفه‌ای افراد هر جامعه‌ای دارد.

هاشم بدری درگذشت



محمد هاشم بدری معروف به هاشم بدری، هنرمند نقاش و صاحب تکنیک بدریسم، صبح سه‌شنبه ۹ مرداد در منزل خود درگذشت. هاشم بدری متولد ۱۳۲۵ بود. او نقاش جانپاز و مبتکر تکنیک نقاشی «بدریسم» است که در فرانسه به ثبت رسید. عضو انجمن آزاد نقاشان فرانسه، رتبه اول مسابقات نقاشی فرانسه (۱۹۹۸ و ۲۰۰۴) و برپایی ۵۰ نمایشگاه نقاشی در داخل و خارج از کشور از جمله افتخارات بدری است.

سهرودی مدیون کرین



سید حسین نصر: شهرت سهرودی مرهون زحمات هانری کرین و سایر فلاسفه اروپایی است که به حکمت اشراق علاقه‌مند شدند و گرنه تا ۶۰-۷۰ سال پیش سهرودی جهانی نبود. خوشبختانه پس از انتشار آثار سهرودی در همه کشورهای مثل ترکیه، مصر و... توجه زیادی به سهرودی شد. خوشحالم که در سال‌های پایانی عمر شاهد احیای سهرودی در ایران و سایر کشورها هستم چون احیای سهرودی، احیای تفکر اصیل است.

مفاهیم مدیریتی در شاهنامه



شیرین صمصامی: یکی از آثاری که به صراحت و ریزی‌گری گویند وضعیت جامعه ایرانی است، شاهنامه فردوسی است. در میان اندرزها و خطابه‌های فردوسی به‌خوبی می‌توان مفاهیم مدیریتی را درک کرد. ایده‌های فردوسی بیان‌گر این نکته است که هیچ مرز روشنی، مدیریت گذشته و حال را در توری و عمل متمایز نمی‌کند. این تفکر باعث شده که فردوسی بنیاد یک فرمان‌روایی برتر را تمام و کمال به تصویر بکشد.

ایران‌شناس آمریکایی

رؤی پرویز متحده استاد سابق تاریخ فکری خاورمیانه دانشگاه هاروارد درگذشت

رؤی پرویز متحده، استاد سابق تاریخ فکری خاورمیانه دانشگاه هاروارد و متخصص فرهنگ و تاریخ ایران که جزو نویسندگان جلد چهارم تاریخ ایران کمبریج (بخش خلافت عباسیان در ایران) بود، چهارشنبه ۱۰ مرداد درگذشت. رؤی پرویز متحده ۱۳ تیر ۱۳۱۹ در منطقه منهتن نیویورک زاده شد. پدرش رفیع ایرانی و مادرش میلدر آمریکایی بود و تلفیق دو فرهنگ در نام‌گذاری‌اش منعکس است: نام اول رؤی، نام میانی پرویز و نام خانوادگی متحده. والدین رؤی متحده از راه تجارت ظروف چینی اعلی زندگانی مرفه و مجللی فراهم ساخته بودند و فرزندشان در بهترین مدرسه‌ها آموزش دید و پرورش یافت. دو مدرک کارشناسی از دانشگاه هاروارد در آمریکا و دانشگاه کمبریج در انگلستان گرفت و دکتری تاریخ را سال ۱۹۷۰ در دانشگاه هاروارد در زیر نظر ریچارد فرای و همیلتون گیب، دو ایران‌شناس و شرق‌شناس مشهور به پایان برد. موضوع پایان‌نامه‌اش درباره نظام اداری و مدیریت آل بویه بود و از همان سال ۱۹۷۰ تدریس در دانشگاه پرینستون را آغاز کرد و سال ۱۹۸۶ استاد تاریخ اسلامی دانشگاه هاروارد شد و سال‌ها در زمینه تاریخ اجتماعی و فکری خاورمیانه در دوران اسلامی هم‌چنین فرهنگ ایرانی و زبان فارسی به تدریس و تحقیق پرداخت و از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ مدیر برنامه مطالعات اسلامی شاهزاده ولید بن طلال در دانشگاه هاروارد بود. او هم‌چنین سابقه عضویت در آکادمی آمریکایی هنرها و علوم و شورای روابط خارجی ایالات متحده آمریکا را در کارنامه داشت. در سال‌های اخیر پس از جراحی‌های متعدد، تندرستی رؤی متحده رو به کاستی گذاشت تا این‌که سرانجام ۱۰ مرداد درگذشت.

وفاداری و رهبری در عصر آل بویه

دکتر متحده از نویسندگان جلد چهارم تاریخ ایران کمبریج بود و بخش «خلافت عباسیان در ایران» در این جلد نوشته اوست. متحده در قسمتی از این بخش می‌نویسد: «غالباً پیروزی انقلاب عباسیان را پیروزی ایرانیان بر اعراب دانسته‌اند اما شمار بسیاری از سپاهیان و دعوات که انقلاب را به پیروزی رسانده بودند و از حکومت عباسیان حمایت می‌کردند، عرب بودند و دلیلی که نشان دهد یاران ایرانی دولت عباسی در دوره نخست آن دو با ضدعرب بوده‌اند، در دست نیست. خاندان عباسی در عصر اموی شبکه وسیع و پیچیده‌ای از طرفداران مخفی پرورش داده بودند و پیروزی عباسیان احتمالاً بسیاری از جنبش‌های اسلامی که در آینده سر برآوردند را تشویق کرده بود که از نمونه عباسیان تقلید کنند.»

رؤی متحده آثار پرشمار دیگری از خود به یادگار گذاشت که موضوعات متنوع آن‌ها از دامنه وسیع حوزه علاقه‌مندی او از تاریخ دوره عباسی در قرن هشتم میلادی گرفته تا جریان‌های فکری و سیاسی در عصر امروز حکایت دارد. «تاریخ اجتماعی ایران در عصر آل بویه» از جمله این آثار است که نشر نامک آن را با ترجمه محمد دهقانی منتشر کرده است.

رؤی متحده در کتاب «تاریخ اجتماعی ایران در عصر آل بویه» کوشیده است به شیوه‌ای توصیفی و پدیدارشناسانه و تا



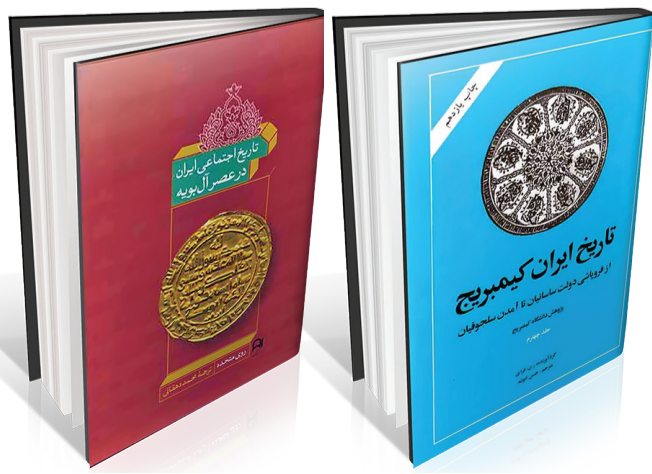
حدودی هم‌دلانه ساختار جامعه آل بویه و پیوندها و روابط اجتماعی آن را واکاوی کند و تصویری نسبتاً روشن از آن به دست دهد. دو مفهوم مهم «وفاداری» و «رهبری» در این پژوهش توسعه معنا یافته و از حد دولت و حکومت فراتر رفته و جوانب مختلف زندگی اجتماعی مردمان ایران و عراق را در قرن‌های چهارم و پنجم هجری دربر گرفته است. پارادایمی که نویسنده در این کتاب به دست داده چنان دقیق و مدلل است که می‌شود آن را درباره سراسر تاریخ معاصر به کار گرفت.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های رؤی متحده «ایده ایران در دوره میانه» بود که در این کتاب به‌طور جدی آن را دنبال کرده و تلاش‌ها و اقدامات سلسله آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ ه.ق) در احیای سنت پادشاهی ایرانی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است. آل بویه همانند بسیاری دیگر از دودمان‌های محلی، خود را از تبار شاهان ایران می‌دانستند. آن‌ها «رزم‌آورانی بودند از کرانه شهرهای دریای مازندران که... به تدریج موفق به بنای سلسله در فلات ایران شدند». متحده به برخی از اقدامات امرای آل بویه از جمله عضدالدوله در استفاده دوباره از عنوان «شاهنشاه» بر روی سکه‌ها، تقلید آگاهانه از شاهان ساسانی و احیای جشن‌های ایرانی سده و مهرگان اشاره می‌کند. قرار دادن سنگ‌نوشته‌هایی در پرسپولیس بر سردر ورودی کاخ داریوش توسط

عضدالدوله و در ادامه اقدام پسرش بهالدوله در قرار دادن سنگ‌نوشته‌هایی از دوران خود در کنار آثاری از شاهان ساسانی با سیاست‌های آل بویه در احیای پادشاهی ایران پیش از اسلام هماهنگی دارد.

مسئله اصلی که رؤی متحده در کتابش دنبال می‌کند آن است که آل بویه برخلاف اقداماتی که به برخی از آن‌ها اشاره شد و همه در راستای «پیوند احساسی» آل بویه به ایران و اندیشه ایران‌شهری است نه تنها علاقه‌ای به یادگیری زبان پارسی دری که در بخش‌های خاوری ایران به‌ویژه خراسان معمول بود، نداشتند بلکه از حامیان جدی زبان و فرهنگ عربی بودند: «دربار آل بویه در جنوب غربی ایران در گسترش و بویایی زبان عربی بسیار کوشا بود تا آنجا که گاه امیران سعی داشتند در توجه به زبان عربی گوی سبقت از پیشینیان خود برآیند.» دکتر متحده علت توجه آل بویه به زبان عربی را در سه زمینه دنبال می‌کند: اول آن‌که آل بویه به شدت تحت‌تأثیر بغداد بودند که مرکز اصلی قدرت آن‌ها بود. دوم آن‌که همان‌طور که ریچارد فرای عنوان می‌کند، آل بویه تحت نفوذ موبدان زرتشتی بودند که در ایالاتی مثل فارس به زبان پهلوی می‌نوشتند از این رو زرتشتیان در آن دوره از نگارش به زبان پارسی دری پرهیز داشتند. مسائل مذهبی سومین علتی است که او برای معمول بودن زبان عربی در دربار آل بویه می‌آورد و مطرح می‌کند که آل بویه حامی مذهب تشیع بودند که متون آن اغلب به زبان عربی نگارش می‌یافت و در مناطق مرکزی و جبال ایران این زبان معمول بود بنابراین آل بویه انگیزه‌ای برای ترجمه این متون به زبان پارسی نداشتند.

در مقاله «یافتن اندیشه ایران‌گرایی در مدایح دربار غزنوی» رؤی متحده ایده ایران را در آثار شاعران دربار غزنوی از جمله عنصری، اسجدی، فرخی و منوچهری دنبال می‌کند، شاعرانی که «از زمان ظهور آنها به بعد دربار شاهان در ایران تنها با حضور آن شاعران شکوه و عظمت می‌یافت». از نظر او شاعران دربار سلطان محمود (۳۸۹-۴۲۱) و سلطان مسعود (۴۲۱-۴۳۲) را ایران‌شاه و خسرو ایران می‌دانستند. او معتقد است میان سلاطین غزنوی و شاعران ارتباط دوسویه‌ای وجود داشته است. سلاطین به دنبال آن بودند که اقدامات مهم و نیز زمانه خویش را جاودانه سازند و شاعران از حاکمان انتظار داشتند آن‌ها را در گذران زندگی و نیز حفظ و ماندگاری آثارشان یاری رسانند: «در سرزمین‌های پارسی زبان، شکوه شاهانه چه در نگاه شاعر و حامی او در دربار و چه در نظر مردم آن روزگار با مفهوم ایران گره خورده بود.» شاعران آگاهانه بر آن بودند که مرزهای ایران را از توران، یعنی سرزمین ترکان در شرق مشخص سازند: «ایران را با نام سرزمین شاهنشاه می‌شناسند در برابر توران، منطقه‌ای تا شمال و شرق رود جیحون که تقریباً شامل همان بخش‌هایی می‌شود که ما با عنوان آسیای مرکزی یا ترکستان می‌شناسیم.» دغدغه دیگر شاعران متمایز کردن ایران و سرزمین‌های عجم از قلمرو اعراب بود. متحده برای اثبات این موضوع ابیات بسیاری از شاعران غزنوی را شاهد می‌آورد تا اهمیت ایده شاهنشاهی ایران و سنت ایران‌شاهی که در ادبیات قرن پنجم و ششم به اوج شکوفایی خود رسیده بود را مورد تأکید قرار دهد.



دیدگاه: یادداشت سینمایی

تسهیل‌گری یا آقابالاسر؟

نسبت دولت با فرهنگ و هنر



مهرزاد دانش
منتقد

یکی از مهم‌ترین و پرزنگ‌ترین کارکردهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدور مجوز برای تولید و عرضه آثار هنری و فرهنگی و ادبی است؛ از کتاب گرفته تا فیلم و از موسیقی گرفته تا نمایش. استدلالی که برای این روال مطرح می‌شود، لزوم نظارت بر محصولات فرهنگی و هنری جهت سالم نگه داشتن جامعه از آلودگی‌های این حوزه است. مثالی هم که معمولاً زده می‌شود، مقایسه این ماجرا با نظارتی است که وزارت بهداشت بر محصولات غذایی و دارویی و بهداشتی و آرایشی اعمال می‌کند و قبل از عرضه‌شان به بازار عمومی فروش و مصرف، مجوزهای لازم را برای سلامت کالا صادر می‌کند.

اما آیا در سایر کشورها هم این شیوه نظارتی و صدور مجوز رایج است؟ روال معمول در عموم کشورهای دیگر (اگر از طالبان و... البته صرف‌نظر کنیم)، این است که هنرمند برای انتشار اثرش، ابتدا سراغ بنگاه‌های صنفی می‌رود. مثلاً اگر نویسنده کتاب است به آژانس‌های ادبی و اگر فیلمنامه‌نویس است به استودیوهای فیلمسازی می‌رود. آن بنگاه‌ها، اثر او را مطالعه می‌کنند و بسته به میزان کیفیت و مخاطب‌سنجی و وضعیت بازار و... نظر مثبت یا منفی یا مشاوره‌ای می‌دهند. هنرمند می‌تواند نظر مشورتی‌شان را قبول کند و تغییرات خواسته شده بپذیرد یا سراغ بنگاه دیگری برود. اگر هم هیچ‌جا اثرش را نپذیرند، می‌تواند با سرمایه شخصی اثرش را تولید و روانه بازار کند که البته با توجه گرانی خدمات و وجود موسسات تثبیت شده کار بسیار دشواری است؛ اما در هر حال منع قانونی ندارد. بنابراین در عموم سایر کشورها، چیزی به نام صدور مجوز دولتی برای تولید و عرضه اثر هنری وجود ندارد و همه چیز به موسسات صنفی و خصوصی سپرده شده است. در این میان، اگر هم نکته‌ای در اثر وجود داشته باشد که مناقشه‌های حقوقی و قضایی ایجاد کند (مثلاً در یک داستان یا فیلم، توهین به شخص یا نژاد یا قومیتی صورت گرفته باشد) شکایت‌های قضایی بعد از انتشار اثر انجام می‌شود و مراجع طبق قانون پیش می‌رود. معمولاً در بنگاه‌ها و آژانس‌های ادبی و هنری هم مشاوره‌های حقوقی حضور دارند تا هنرمند را نسبت به احتمال بروز این مناقشه‌ها آگاه سازند و قبل از نشر اثر، امکان رفع آن وجود داشته باشد.

این روال، اولاً دولت را از گسترش ابعاد تشکیلاتی و بروکراسی دور نگه می‌دارد و ناگزیرش نمی‌سازد دستگاه‌های عرض‌و‌طول به نام اداره صدور مجوز و دفتر نظارت و غیره داشته باشد و بخش عمده‌ای از بودجه فرهنگی صرف هزینه‌های گزاف دستمزد میزها و دبیرخانه و سامانه و... شود، ثانیاً بخش خصوصی در سیاست‌گذاری بر تولید اثر هنری فعال‌تر و پویاتر خواهد بود و درک و فهم بهتری در روند تولید هنر شکل می‌گیرد و سوم آنکه، دولت تمرکز بیشتر و بهتری بر نقش حمایتگر و خدمت‌دهی خود می‌تواند داشته باشد و به جای فرورفتن در نقش متولی و ارباب و آقابالاسر، کارکرد واقعی‌اش در تسهیل‌رسان را ایفا خواهد کرد.

بر فواید این روال، نکات دیگری را هم می‌توان افزود؛ اما چرا در ایران اصرار بر آن است شیوه متفاوت‌تری در مقایسه با بقیه کشورها در پیش گرفته شود؟ در نوبت بعد، به این پرسش، پاسخ داده خواهد شد.



آدام درایور به صحنه می‌آید

آدام درایور با نمایشنامه کنت لورنگان روی صحنه خواهد رفت. بازسازی دوباره نمایش «منو نگه‌دار عزیزم» که برای یک دوره محدود و به مدت ۱۳ هفته در تئاتر لوسیل لورتل اجرا می‌شود با بازی آدام درایور شکل می‌گیرد. «منو نگه‌دار عزیزم» درباره یک چهره نمادین موسیقی کانتری است که با اطلاع از مرگ مادرش به هم می‌ریزد و تصمیم می‌گیرد به یک زندگی ساده روی بیاورد.



تام کروز در جنگ جهانی دوم

تام کروز، بار دیگر با کریستوفر مک‌کوری، کارگردان چهار قسمت از مجموعه فیلم‌های «ماموریت غیرممکن»، در یک فیلم حماسی مربوط به دوران جنگ جهانی دوم به نام «قداره» همکاری خواهد کرد. پیش از این اعلام شده بود که کروز به پروژه آتی‌ال‌اندرو گوتزالس اینباریتو، کارگردان مکزیک‌پوسته است. اما حالا به نظر می‌رسد که فیلم «قداره»، محصول کمپانی برادران وارنر به‌عنوان پروژه بعدی کروز معرفی شده است.



اکران کیف سیاه سوئدپرگ

استیون سوئدپرگ، کارگردان آمریکایی آثاری چون مجموعه فیلم‌های «اوشن» و «ارین براکویچ» اعلام کرد: آخرین ساخته‌اش، «کیف سیاه»، که یک تریلر جاسوسی با بازی کیت بلانشت و مایکل فینسیندر است در مارس سال آینده به روی پرده سینما خواهد رفت. جزئیات زیادی از داستان این فیلم در دسترس نیست، اما سوئدپرگ آن را به‌عنوان نسخه‌ای شخصی از فیلم‌های هارولد هاکس توصیف کرده است.

استخدام قاتل حرفه‌ای

بازیگر هالیوود برای خودکشی به قاتل حرفه‌ای روی آورد



آنجلینا جولی، بازیگر مشهور هالیوود، اخیراً رازی تکان‌دهنده از گذشته‌اش را فاش کرده است. او در سن ۲۲ سالگی، زمانی که با افکار خودکشی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، تصمیم گرفت یک قاتل حرفه‌ای را برای پایان دادن به زندگی‌اش استخدام کند.

جولی در مصاحبه‌ای با IMDB گفت: «زمانی بود که می‌خواستم کسی را برای کشتن خودم استخدام کنم». او توضیح داد که ترجیح می‌داد به قتل برسد تا خودکشی کند، زیرا فکر می‌کرد پذیرش مرگ او به این شکل برای عزیزانش راحت‌تر خواهد بود. در مصاحبه‌ای دیگر با مجله The Face در سال ۲۰۰۳، جولی جزئیات بیشتری از این تصمیم شوکه‌کننده را فاش کرد. او گفت: «پیدا کردن قاتل در نیویورک چندان

سخت نیست. هر چقدر هم که دیوانه‌وار به نظر برسد، فکر می‌کنم خیلی از افراد در جوانی به خودکشی فکر می‌کنند». اما داستان پیچش جالبی پیدا کرد. قاتل حرفه‌ای که جولی با او تماس گرفت، از او خواست دو ماه فکر کند و دوباره تماس بگیرد. در این مدت، زندگی جولی تغییر کرد و او تصمیم گرفت به زندگی‌اش ادامه دهد. جولی در طول سال‌ها به دوران تاریک گذشته‌اش اشاره کرده است. در

مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۱، او گفت: «من از دوران سخت‌تر و تاریک‌تری گذشتم و زنده ماندم. در جوانی نمردم، در نتیجه خیلی خوش‌شانس بودم». جولی در مورد سال‌های جوانی خود گفت که مادر ۶ فرزند بودن به او کمک کرد تا به‌عنوان یک فرد رشد کند. او گفت: «من در جوانی چندان پایدار نبودم. در واقع، هرگز فکر نمی‌کردم که بتوانم مادر کسی باشم. تصمیم به مادر شدن را به

یاد دارم. دوست داشتن سخت نبود، چیزی که سخت بود این بود که بدانم از این به بعد باید کسی باشم که مطمئن می‌شود همه چیز خوب است».

درحال حاضر، جولی درگیر طلاق طولانی از برد پیت است که از سال ۲۰۱۶ ادامه دارد. منابع نزدیک به این زوج می‌گویند که اختلافات آنها باعث شده روند طلاق طولانی شود و هیچ‌کدام حاضر نیستند کوتاه بیایند. در اتفاقی تازه، شایلو، فرزند ارشد جولی و پیت، درخواست تغییر نام خانوادگی خود و حذف نام «پیت» را داده است. شهریورماه امسال در جشنواره تورنتو در بخش جانبی «نمایش‌های ویژه» اولین نمایش جهانی فیلم «بدون خون» ساخته آنجلینا جولی با بازی سلما هایک و دمیان بیچیر در نقش اصلی رونمایی می‌شود. این اثر ششمین فیلم جولی در مقام کارگردان است. داستان آنجلینا جولی یادآور این است که حتی ستاره‌های مشهور نیز ممکن است با مشکلات روحی و عاطفی دست‌وپنجه نرم کنند. واقعیت این است که زندگی این افراد با آنچه در ذهن عامه مردم نقش بسته فاصله بسیاری دارد و آنها هم با مشکلات روحی و روانی زیادی زندگی‌کنند که تصورش هم برای خیلی از طرفداران آنها ناممکن باشد.

هیاهو برای هیچ

برنامه‌ریزی برای خدشه‌دار کردن چهره کاپولا به نتیجه نرسید

جمعه گذشته نشریه «ورایتی» ویدئویی از صحنه فیلمبرداری «مگالوپلیس» منتشر کرد که «فرانسیس فورد کاپولا»، کارگردان فیلم را درحال عرض به یکی از زنان بازیگران سیاهی‌لشکر در یک کلوب شبانه نشان می‌داد. این ویدئو ادعای منابع ناشناس «گاردین» را به ظاهر تایید می‌کرد که کارگردان کهنه‌کار رفتاری «غیرحرفه‌ای» با برخی از بازیگران داشته است.

اما «ددلاین» به‌تازگی زن «قربانی» در ویدئوهای «انحصاری» نشریه «ورایتی» را شناسایی و با او گفت‌وگو کرده است. نام این زن «رینا منز» است و می‌گوید، گزارش «ورایتی» را «تهوع‌آور» یافته: «کاپولا هیچ کاری نکرد که کسی را در صحنه معذب کند. به‌شدت ناراحت هستم. غافلگیر شدم، چون یک صحنه فیلمبرداری بسته بود. اینکه کسی ویدئویی از آن لحظه داشته به نظر من مسخره و بسیار غیرحرفه‌ای است. تهوع‌آور است، چون او همیشه و در تمام طول فیلمبرداری فقط از این حرف می‌زد که همسرش چه زن خوبی است. همسرش بیشتر روزها در صحنه کنار ما بود. دیدن آن ویدئو و اینکه سعی کرده‌اند، پیامی با آن منتقل کنند تهوع‌آور است. تهوع‌آور. او چیزی نبود جز یک حرفه‌ای، یک جنتمن، مثل یک پدرخوانده ایتالیایی دوست‌داشتنی که در صحنه فیلمبرداری می‌چرخید. خیلی خوش گذشت. او یک انسان سخاوتمند و نجیب است». با این همه نشریاتی چون



«ورایتی»، «گاردین» و «هالیوود ریپورتر» سعی کرده‌اند اعتبار کاپولا را خدشه‌دار کنند. به گزارش «ددلاین» می‌نویسد: «کسی ممکن است از خود پرسد که چرا ژورنالیست‌ها سخت می‌کوشند یکی از بزرگ‌ترین فیلمسازان زنده آمریکا را لکه‌دار کنند، آن هم در مقطعی که او همسرش را از دست داده. برخی شاید فکر کنند که وقت خوبی است برای تقدیر از کاپولا به

خاطر قمار جسورانه‌اش با هزینه کردن ۱۲۰ میلیون دلار از سرمایه شخصی روی «مگالوپلیس». چه فیلمش را دوست داشته باشید چه از آن بیزار باشید، در دوران بردلی سامانی، از کاپولا باید به خاطر تحقق بخشیدن به فیلمی که دهه‌ها به ساختن می‌انداشید تقدیر شود، فیلمی که امیدوار است پیامش تا مدت‌ها پس از مرگش ماندگار باشد. وقتی که از دنیا رفت، همه این سوداگران منفی‌باف با احترام از او یاد خواهند کرد. چرا برای برخورد محترمانه با او باید منتظر [مرگش] ماند؟»

یکی از تهیه‌کنندگان هالیوودی ناشناس در ماه مه به «ورلد آو ریل» گفته بود که این اتهامات «توطئه‌ای» برای «نابود» کردن کاپولا و مدل فیلمسازی اوست: «این گزارش چیزی جز کمپین افترازنی از سوی استودیوهای وحشت‌زده نیست که از برخورد کاپولا با مدل‌های فیلمسازی آنها راضی نیستند».

«آبری پلازا»، بازیگر «مگالوپلیس» هم در زمان اکران فیلم در کن به «ددلاین» گفته بود که کاپولا نیازی به دفاع او ندارد: «به نظر من شایعه‌ها مضحک بودند. حاضرم تمام‌قد از فرانسیس دفاع کنم، اما او نیازی به دفاع من ندارد. به نظر من وقتی درون نظام فیلمسازی باشید و بدانید که واقعاً چه اتفاقاتی درحال وقوع است، فکر می‌کنید: «بگذار گزارش‌های خودشان را بسازند و هیاهوی بزرگی برای به پا کنند. چرا که نه؟ فیلم بیشتر جلب توجه می‌کند». به نظر من در نهایت به فیلم کمک می‌کند».



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

فناوری و توسعه

اقتصاد آفریقا چگونه از هوش مصنوعی بهره می‌برد؟

مترجم

هینا معرفت

طبق محاسبات نشریه اکونومیست در دو دهه قبل پهنای باند بین‌المللی در کل قاره آفریقا کمتر از برزیل بود و این وضعیت تا سال ۲۰۲۳ ادامه داشت. فقدان برق در آفریقا، یکی از دلایل عدم برخورداری ساکنان آن از مزایای موعود هوش مصنوعی است. دهه‌هاست که متخصصان خواستار پهنای باند بهتر برای آفریقا هستند و از منافع آن در بهره‌وری و اشتغال نام می‌برند. اما توان اقتصادی بالقوه هوش مصنوعی و توان رایانشی سری‌ناپذیر آن یک بار دیگر ضرورت سرمایه‌گذاری فوری در زیرساخت‌های فیزیکی را برای یک انقلاب دیجیتال جدید برجسته می‌کند.

هوش مصنوعی در دنیا به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های قرن بیست‌ویکم شناخته می‌شود و ایزاری قدرتمند در مقابله با برخی اثرات ناتوان‌کننده تنوع و تغییرات آب‌وهوایی محسوب می‌شود. قاره آفریقا به عنوان منطقه‌ای که نیاز به پیشرفت دارد، در سال‌های اخیر به دنبال راهکارها و شیوه‌هایی برای رشد و توسعه در عرصه آموزش عالی به‌ویژه توسعه فناوری در زمینه‌های مختلف است و برای موفقیت در این مسیر، همکاری‌هایی با کشورهای اروپایی در دست دارد. خوشبختانه آفریقا یک الگوی داخلی برای تقلید دارد. پذیرش گسترده تلفن‌های همراه در اوایل دهه ۲۰۰۰ نمونه‌ای خیره‌کننده از آزادسازی اقتصادی به‌شمار می‌رود. در آن زمان در اکثر نقاط قاره، کسب‌وکارها و مصرف‌کنندگان چند سال برای دریافت خط ثابت تلفن انتظار می‌کشیدند. نیجر به پرجمعیت‌ترین کشور آفریقا فقط ۴۵۰ هزار خط تلفن در سال ۱۹۹۹ داشت که حدود یک‌سوم آنها کار نمی‌کرد. اما وقتی دولت به شرکت‌های خصوصی تلفن همراه اجازه فعالیت داد آنها به سرعت جای شرکت‌های مخابراتی فشل دولتی را گرفتند. آن‌رو پدید آمدن برای توسعه موثر و کم‌هزینه بود. هم‌اکنون آفریقای زیر صحرای کبیر حدود ۵۰۰ میلیون مشترک تلفن همراه دارد که حدود نیمی از آنها دارندگان تلفن‌های هوشمند مرتبط به اینترنت هستند. خدمات تلفن همراه مستقیماً ۱۷۰ میلیارد دلار از GDP آفریقا را تأمین می‌کنند. از همه مهمتر، آنها بهره‌وری همه‌کس-از کشاورزان خرد تا تاجران بازار- را بالا برده و رشد و درآمد را در کل اقتصاد تقویت کرده‌اند. متأسفانه این جهش چشمگیر نکات منفی نیز دارد. تمرکز بیش از حد بر تلفن همراه موجب شده، آفریقا از سرمایه‌گذاری در ارتباطات سریع فیبر نوری عقب بماند. تلفن‌های همراه خدماتی از قبیل پول همراه یا خدمات دولتی مانند هویت دیجیتال را امکان‌پذیر کرده‌اند اما کاربرد آنها در اقتصاد تا همین حد است به‌ویژه به این خاطر که اکثر نقاط آفریقا شبکه‌های کم‌سرعت ۲G یا ۳G دارند.

فیبر نوری می‌تواند، ترافیک بیشتر و سریع‌تری داشته باشد. امکان تماس‌های ویدئویی بدون قطعی را فراهم می‌کند و تأخیرهای زمانی را در اپلیکیشن‌های واقعیت افزوده (مثلاً در آموزش جراحی) کاهش می‌دهد. همچنین به افراد امکان می‌دهد با روبات‌های گفت‌وگوی هوش مصنوعی و دیگر خدمات آنلاین تعامل داشته باشند. اما کابل‌های اینترنتی بستر دریا در آفریقا ناکند هستند. علاوه بر این، بخش بزرگی از پهنای باند اینترنت که به خشکی می‌رسد به خاطر ظرفیت پایین انتقال کابل‌های خشکی هدر می‌رود. از آن بدتر، قاره آفریقا به اندازه کافی مرکز داده ندارد. این مراکز سایت‌های اصلی هستند که رایانش ابری در آنجا اتفاق می‌افتد. تعداد این مراکز در هلند ۱۸ میلیون نفری بسیار بیشتر از آفریقای ۱/۵ میلیارد نفری است. در نتیجه داده‌ها باید یک سفر رفت‌و‌برگشت به نیمه دیگر جهان داشته باشند. سفری که با تأخیری دردناک صورت می‌گیرد. اگر قرار باشد آفریقای‌ها پویانمایی بیشتری بسازند، پیش‌بینی‌های پیچیده آب‌وهوایی انجام دهند یا الگوهای زبانی بزرگ را با محتوای محلی آموزش دهند باید توان رایانشی بیشتری را به داخل قاره انتقال دهند. دولت‌ها برای حل این مشکل باید از فرآیند رشد تلفن همراه درس بگیرند و تشریفات اداری را کنار بگذارند. نگاه اینترنت ماهواره‌ای استارلینک می‌تواند، شکاف‌ها را پر کند اما حداقل ۷ کشور از جمله آفریقای جنوبی راه آن را بسته‌اند. مالیات‌های سنگین بر دسترسی به داده‌ها، هزینه‌ها را برای مصرف‌کنندگان بالا می‌برد و بنگاه‌ها را از سرمایه‌گذاری دلسرد می‌کند. دولت‌ها فقط با کنار رفتن از سر راه می‌توانند، کمک بزرگی انجام دهند. موسسه‌های توسعه‌ای هم به نوبه خود می‌توانند کمک بزرگی در تأمین مالی این زیرساخت‌های حیاتی داشته باشند که مزایای گسترده‌ای برای رشد و اشتغال دارند. انقلاب دیجیتال جدید فرصت‌هایی را برای آفریقا می‌آفریند تا خود را به کشورهای ثروتمند برساند. اما اگر این قاره فاقد زیرساخت‌های مناسب باشد باز هم از آنها عقب‌تر می‌ماند.

منبع: اکونومیست

۲۷۹

هزار سکه

طلا فروش رفت

۱۵ جلسه حراج سکه طلا برگزار شده است. حراج‌ها ابتدا فقط با ربع سکه بود اما در ادامه نیم و سکه‌تمام هم به آن اضافه شد. حراج‌ها با قیمت حاشیه بازار انجام شد و در ۱۵ مرحله جمعاً ۲۷۸ هزار و ۶۸۹ قطعه انواع سکه طلا به متقاضیان تخصیص داده شده است. ۱۵۸ هزار و ۸۲۸ قطعه ربع‌سکه، ۴۳ هزار و ۱۹۲ قطعه نیم‌سکه و ۷۶ هزار و ۶۶۹ قطعه سکه‌تمام نتیجه این ۱۵ مرحله بود.

ترس بازار

تاثیر تنش‌های سیاسی بر بازارهای مالی

مختاب شهریاری

خبرنگار سازندگی

ترور اسماعیل هنیه در تهران نشان داد، هراس ابتدای هفته معامله‌گران بازار سهام چندان بی‌دلیل نبوده است. انتظار عمومی این بود که پس از مراسم تنفیذ و تحلیف و استقرار قانونی مسعود پزشکیان، بازارها روی آرامش ببینند و شاخص‌ها رو به صعود باشند اما معامله‌گران بازارهای سهام و سکه نظر دیگری داشتند؛ آنها اوضاع را آنگذر آرام نمی‌دیدند که اعتماد کنند. در نتیجه بازار سهام رو به کاهش گذاشت و در عوض قیمت سکه افزایش یافت. به این ترتیب، یک هفته دیگر در بازارهای دارایی به پایان رسید و در ایسن اثنا بازارهای دارایی به‌خصوص اواخر هفته گذشته در معرض ریسک سیستماتیک ناشی از ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران قرار گرفتند. در جریان معاملات هفته قبل، شاخص کل بورس تهران با افت ۴/۹۳ درصدی همراه شد. روز چهارشنبه یکی از سنگین‌ترین ریزش‌های این شاخص تجربه شد. دلار نیز پس از افزایش سطح ریسک‌ها و تنش‌ها در خاورمیانه وارد کانال ۶۰ هزار تومان شد. نفت برنت نیز تحت تأثیر این ریسک‌ها وارد کانال ۸۰ دلاری شد. قیمت‌ها در بازار طلا و سکه نیز تحت تأثیر افزایش قیمت دلار و اونس جهانی هفته گذشته در مدار صعودی قرار گرفتند.

تحولات بازار سهام

بورس تهران در هفته‌ای که گذشت، چهار روز معاملاتی داشت و در هر چهار روز، شاخص کل با افت همراه شد تا ماحصل آن افت ۴/۹۳ درصدی نماگر اصلی بازار سهام در مقیاس هفتگی باشد. همچنین در هفته‌ای که گذشت، شاخص هم‌وزن با نزول ۵/۲۹ درصدی همراه شد و شاخص کل فرابورس نیز افت ۴/۴ درصدی را تجربه کرد. افت سه روز معاملاتی نخست ابتدای هفته در نتیجه تنش‌های حادث شده در خاورمیانه که ریسک سیستماتیک را در سپهر بورس تهران تقویت کرده بود، حادث شد و در روز آخر هفته نیز معاملات بازار سهام به طور کامل تحت تأثیر ترور رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران قرار گرفت و شاخص کل بازار سهام، بیشترین افت روزانه خود از ۳۰ اردیبهشت را تجربه کرد.

افزایش سطح ریسک‌ها در سطح بازار سهام سبب شده تا بازار سهام به طور کامل به محرک‌های مثبت نیز بی‌تفاوت باشد. یکی از این محرک‌ها در بازار سهام، رشد دلار نیما در سال جاری بوده است. دلار نیما در معاملات سال جاری را در میانه‌های کانال ۴۰ هزار تومان آغاز کرد و تا قیمت ۴۴ هزار و ۲۵۰ تومان افزایش قیمتی را تجربه کرده و اختلاف ۶۰ درصدی اواخر فروردین ماه میان دلار نیما و دلار بازار آزاد به ۳۴ درصد کاهش یافته است. اما بورس تهران به افزایش نرخ دلار نیما کاملاً بی‌تفاوت بوده است. یکی از نکات جالب توجه معاملات هفته قبل بورس تهران، تخلیه کامل حساب صندوق‌های اهرمی بود. صندوق‌های اهرمی، از ریسک بیشتری در دل خود دارند و طبیعتاً با توجه به این ریسک زیاد، سرمایه‌گذاران از سرمایه‌گذاری در این صندوق‌ها، انتظار کسب بازدهی بالایی نیز دارند. درحال حاضر ۷ صندوق اهرمی در بازار سهام موجود است که دو مورد از آنها به تازگی پذیرهنویسی شده‌اند. در هفته‌ای که گذشت به‌طور کامل حساب همه صندوق‌های اهرمی تخلیه شد و حتی برخی از این صندوق‌ها با حباب منفی معامله شدند. همچنین به علت اوضاع ناپه‌سامان بازار سهام در روز چهارشنبه، پذیرهنویسی سهام در دست انتشار شرکت

یک

دتر

افزایش قیمت نفت

قیمت نفت در برابر دورنمای تشدید تنش‌ها در خاورمیانه، بیش از یک دلار در هر بشکه افزایش یافت و از پایین‌ترین رکورد ۷ هفته اخیر فاصله گرفت. بهای معاملات نفت برنت با یک دلار و ۱۷ سنت معادل ۱/۵ درصد افزایش به ۸۰ دلار و ۱۵ سنت در هر بشکه رسید. بهای معاملات وست‌تگزاس اینترمدیت آمریکا یک دلار و ۱۵ سنت معادل ۱/۵ درصد افزایش یافت و به ۷۶ دلار و ۷۲ سنت در هر بشکه رسید.

واسپاری عصر اعتماد نیز لغو شد. در شرایط فعلی که بازار از فقدان نقدینگی رنج می‌برد، طبیعتاً انجام پذیرهنویسی به منزله مکیدن خون بازار است. انجام پذیرهنویسی در شرایط رکود و رخوت معاملاتی، بخشی از پول‌های سیال و سرگردان را از سطح بازار جمع‌آوری می‌کند و سبب می‌شود که بازار با قحطی نقدینگی همراه شود و در روندهای صعودی این موضوع گریبان بازار را می‌گیرد چون پول آزاد و در دسترس اهالی بازار برای قرار گرفتن در سمت تقاضا کمتر می‌شود. از سوی دیگر، برخی در بازار سهام برای تأمین نقدینگی به منظور خرید سهام در دست پذیرهنویسی، اقدام به فروش سهام موجود در پورتفوی خود می‌کنند که این موضوع به افت قیمت سهام منجر می‌شود و طبیعتاً در شرایط رکودی، اثر این موضوع بیشتر نمایان می‌شود. با گذشت یک ماه از تابستان، صورت‌های مالی سه ماهه نخست سال جاری اکثر شرکت‌ها در کدال منتشر شده و بررسی آنها حاوی نکات قابل توجهی برای سرمایه‌گذاران است. نگاهی به عملکرد شرکت‌ها در بهار سال جاری نشان می‌دهد که در اکثر صنایع، اوضاع طوق پیش‌بینی‌ها پیش‌رفته و عملکردهای ضعیفی به ثبت رسیده است. در کنار سایر ریسک‌های حاکم بر بازار سهام، عملکرد دور از انتظاری که در بهار امسال به ثبت رسیده نیز سبب شده تا بازار این چنین گرفتار رکود شده و در مدار نزولی قرار بگیرد. بررسی حاشیه سود فصلی کل بازار سهام نشان می‌دهد که در بهار سال جاری، این نسبت به ۱۴ درصد رسیده که از پاییز سال ۱۴۰۱ بی‌سابقه است. می‌توان گفت در کنار همه خطرانی که در این مدت بازار را احاطه کرده بود، مساعد نبودن اوضاع بنیادی شرکت‌ها نیز بازار را از سمت‌وسویی دیگر در تنگنا قرار داده است. قیمت‌گذاری دستوری و سرکوب نرخ‌ها، دستکاری هزینه خوراک و انرژی، قطعی گاز در زمستان و قطعی برق در تابستان و سیاست‌های ضدتولید از جمله عواملی بوده که سبب شده، حاشیه سودهای بازار در معرض تهدید قرار بگیرد و با افت همراه شود. برای مثال بررسی در گروه فلزات اساسی، شرکت فولاد خوزستان که در بهار ۱۴۰۲ حاشیه سود ۲۶ درصدی را به ثبت رسانده بود، در بهار سال جاری حاشیه سود ۲۳ درصدی داشته است. دلیل افت قابل توجه حاشیه سود در این شرکت عمدتاً به خاطر افزایش هزینه‌های سربراه بوده است. در بهار سال جاری در این شرکت، هزینه‌های سربراه ۶۴ درصد افزایش داشته که این موضوع شامل ۱۳۰ درصد افزایش در هزینه انرژی، رشد ۴۰ درصدی حقوق و دستمزد و رشد ۵۷ درصدی هزینه حمل‌برده است. در شرکت‌های پتروشیمی با نرخ‌های جدید یوتیلیتی و کاهش اسپردها در بهار امسال برخی شرکت‌ها با افت سودآوری همراه بوده‌اند. در گروه دارویی نیز برخی از شرکت‌ها با وصول بخشی از مطالبات بعد از زمستان سختی که تجربه کردند، اوضاع و احوال بهتری نسبت به زمستان پیدا کردند.

بازار ارز

دلار معاملات هفته گذشته را در پله‌های پایانی کانال ۵۸ هزار تومان آغاز کرد و روز یکشنبه وارد کانال ۵۹ هزار تومان شد. این درحالی است که دلار اواخر تیرماه تا پله‌های ابتدای کانال ۵۷ هزار تومان نیز عقب‌نشینی کرده بود. در روز چهارشنبه نیز پس از انتشار خبر ترور اسماعیل هنیه در تهران، دلار وارد کانال ۶۰ هزار تومان شد. در تفسیر دلایل افزایش مجدد قیمت اسکناس آمریکایی به حوالی ۶۰ هزار تومان دلایل گوناگونی مطرح می‌شود که در ادامه به توضیح آنها پرداخته خواهد شد. اولین موضوع تشدید تنش‌ها در خاورمیانه است. در هفته‌های اخیر اخبار مختلفی درخصوص افزایش تنش‌ها میان اسرائیل و دیگر کشورها مخابره شده که این موضوع، سطح ریسک‌های ژئوپلیتیک را در خاورمیانه افزایش داده که ترور رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران در صدر این فهرست

۱۳۳

میلیون تومان

پیش خرید مسکن دولتی

متوسط مبالغ پرداختی پیش‌خریداران «مسکن دولتی» در طرح ساخت یک میلیون واحد مسکونی درحال حاضر رقمی معادل ۱۳۳ میلیون تومان است. این رقم اما فقط حدود ۱۰ درصد از «کل هزینه ساخت یک واحد مسکونی با قیمت دولتی» را پوشش می‌دهد که مبلغ بسیار «ناچیز» و ناقصی است. با توجه به تورم تولید مسکن طی یک سال گذشته، «قیمت تمام‌شده مسکن دولتی» حداقل یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان خواهد شد.

قرار می‌گیرد. به‌طور سنتی در بازارهای داخلی ایران در مواقعی که ریسک‌های این‌چنینی بروز و ظهور پیدا می‌کند، تقاضای سفته‌بازانه در اولین اقدام به سمت بازار ارز روانه می‌شود و به نظر می‌رسد که رگه‌هایی از این تقاضای سفته‌بازانه این روزها در بازار ارز جولان می‌دهد. دومین موضوع نیز عوامل بنیادینی است که توانایی هدایت نرخ ارز را به سمت کانال‌های پایین‌تر دارند. تحلیلگران ارزی معتقدند بدون صورت گرفتن گشایش ارزی یا بهبود روابط خارجی، حضور نرخ ارز در کانال‌های پایین‌تر از ۵۸ هزار تومان، توجیه اقتصادی ندارد. مراسم تنفیذ و تحلیف رئیس دولت چهاردهم به تازگی انجام شده و تا استقرار کابینه و تأیید آن از سوی مجلس همچنین انجام اقدامات اجرایی افراد حاضر در کابینه زمان لازم خواهد بود. بنابراین اگر مذاکره‌کننده نیز در راستای رفع تحریم و بهبود روابط خارجی در دولت جدید صورت بگیرد، این امر زمان‌بر خواهد بود. از سوی دیگر بازار ارز، انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا را در آبان ماه سال جاری در پیش دارد و باید دید که پیروز نهایی کارزار انتخاباتی آمریکا از میان دونالد ترامپ و کاملاً هریس چه کسی خواهد بود؟ تجربه تاریخی نشان داده که بازار ارز در ایران شامه حساسی نسبت به انتخابات آمریکا دارد، برای مثال، در سال ۲۰۱۶ و پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، نرخ ارز در ایران با افزایش همراه شد چون دونالد ترامپ بارها در مناظرات ریاست‌جمهوری آن دوره و در رقابت با هیلاری کلینتون به مدداری دولت باراک اوباما با ایران اشاره کرده و متذکر شده بود که نوع نگاه وی به مساله ایران با رئیس‌جمهور قبلی بسیار متفاوت خواهد بود. همین موضوع نیز رنگ واقعیت به خود گرفت و ترامپ در اردیبهشت ۱۳۹۷ از برجام خارج شد و سبب شد تا یکی از تاریخی‌ترین جهش‌های ارزی پس از انقلاب در آن سال رقم بخورد. در انتخابات سال ۲۰۲۰ نیز که مقارن با آبان سال ۱۳۹۹ بود تا زمانی که در نظرسنجی‌های داخلی مراکز افکارسنجی ایالات‌متحده شناس نامزد جمهوری خواهان، یعنی دونالد ترامپ بیش از جو بایدن نشان داده می‌شد، بازار ارز در ایران با افزایش افسارگسیخته همراه شد و سقف تاریخی آن زمان دلار در قیمت ۳۲ هزار تومان و در اواخر مهر ۱۳۹۹ به ثبت رسید. اما با پیروزی جو بایدن در انتخابات، انتظارات تورمی شکل‌گرفته در بازار داخلی به‌طور معناداری با کاهش همراه شد و نرخ ارز با عقب‌نشینی از قله تاریخی آن زمان خود همراه شد.

بازار طلا و سکه

بازار طلا و سکه نیز در مقیاس هفتگی با رشد قیمت‌ها همراه شد که این رشد از دو محل به دست آمد. همان‌طور که گفته شد دلار در هفته گذشته با افزایش قیمتی همراه شد که این موضوع افزایش قیمت‌ها در بازار طلا و سکه را به دنبال داشت. افزون بر این اونس جهانی طلا در نتیجه چشم‌انداز کاهش نرخ بهره فدرال‌رزرو در ماه‌های آتی همچنین تشدید منازعه‌ها و تنش‌های خاورمیانه در مسیر صعودی قرار گرفته است و در معاملات روز چهارشنبه به مقادیر بیش از ۲ هزار و ۴۰۰ دلار رسید. بنابراین جمع‌اثر این موارد به رشد قیمت‌ها در بازار طلا و سکه کمک کرد. سکه رفاه در هر چهار روز معاملاتی هفته گذشته با افزایش قیمت همراه شد و در روز چهارشنبه در کانال ۴۲ میلیون تومان میان خریداران و فروشندگان دست‌به‌دست شد. قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار در معاملات روز چهارشنبه به ۳ میلیون و ۵۵۵ هزار تومان رسید. همچنین نیم‌سکه و ربع‌سکه نیز به ترتیب با قیمت‌های ۲۳ میلیون و ۸۰۰ هزار و ۱۵ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان مورد معامله قرار گرفتند. صندوق‌های طلا در مقیاس هفتگی، هفته سبزی را پشت سر گذاشتند و با بازدهی مثبت در مقیاس هفتگی، کار خود را به اتمام رساندند.

خبر

قائم‌پناه معاون اجرایی پزشکیان شد



محمدجعفر قائم‌پناه از سوی مسعود پزشکیان به عنوان معاون امور اجرایی رئیس‌جمهور و سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری منصوب شد. او چشم‌پزشک کرمانشاهی است که سال‌هاست در تهران اقامت دارد و یکی از اعضای شورای راهبری دفتر پزشکیان برای انتخاب گزینه‌های تصدی وزارتخانه‌های دولت پزشکیان بود. قائم‌پناه از دوستان قدیمی پزشکیان است که در دوران وزارت وی به عنوان معاون توسعه و مدیریت منابع وزارت بهداشت خدمت کرده است. علاوه بر این ریاست اولین دوره شورای شهر کرمانشاه، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، عضویت در انجمن اسلامی و مسئول اعزام دانشجویان به جبهه‌های جنگ تحمیلی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز از جمله سوابق قائم‌پناه است.



اطلاعیه آموزش و پرورش

وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد که پایان روز یکشنبه ۱۴ مرداد آخرین مهلت مشاهده و تایید سوابق تحصیلی است. در اطلاعیه شماره ۲ مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی وزارت آموزش و پرورش آمده است: «به اطلاع متقاضیان ورود به آموزش عالی می‌رساند صرفاً تا پایان روز یکشنبه ۱۴ مرداد فرصت دارند تا با مراجعه به سامانه جامع آزمون سراسری به نشانی my.san-jesh.org وضعیت سوابق تحصیلی خود را تعیین کنند».



نایب‌گرما بر تب‌دنگی

مینو محرز، متخصص بیماری‌های عفونی با بیان اینکه تزریق واکسن به افرادی که تاکنون دچار این بیماری نشدند توصیه نمی‌شود، گفت: گرمای هوا بر شیوع بیشتر تب‌دنگی موثر است اما برای انتقال تب‌دنگی هم باید پشه در محیط باشند و هم بیمار وجود داشته باشد. گرمایش زمین در سال‌های اخیر موجب شده تا پشه‌اندس از مکان‌هایی که در آنجا بوده به مناطق دیگر نیز برود.

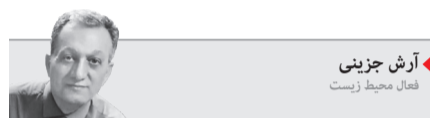


سقف ۵ میلیون تومانی

سردار تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور گفت: با توجه به افزایش جرائم رانندگی سقف خلافی که منجر به توقیف خودرو می‌شود از ۲ تومن به ۵ میلیون تومان رسید. در گذشته مبلغی که باعث توقیف خودرو می‌شد، رقم ۲ میلیون تومان بود که در زمان کرونا این رقم موقتاً به ۳ میلیون تومان رسید. اگر خودرویی رقم جریمه‌اش به ۵ میلیون تومان برسد منجر به شکایت پلیس و به پارکینگ منتقل می‌شود.

ناپایداری و مطالبه‌گری

آینده‌نگاری آخرین و بالاترین دیدگاه برای حل مشکل ناپایداری در حوضه زاینده‌رود است



در سالیان بسیار دور میرآب‌ها، زاینده‌رود و مادی‌هایش (در پایه مرز حوضه آبریز به ریز حوضه‌های طبیعی بخش‌بندی می‌کردند و این مرزبندی تا دولت احمدی‌نژاد تقریباً پارچا بود. ولی از آن پس مرزهای استثنائی، مدیریت هر تکه از حوضه را عهده‌دار شد. همچنین از دوره اصلاحات و پیش از زمان احمدی‌نژاد، سیاست جابه‌جایی مرزهای استثنائی نیز در پیش گرفته شده بود. بنابراین در مدیریت مرزهای حوضه ما دچار ناپایداری شدید هستیم. تا پیش از احداث تونل اول تنها ورودی و خروجی از سیستم، آب مجازی (آب مصرف شده برای تولید و ارائه خدمات) بود که از مرز حوضه هنگام حمل‌ونقل کالا و خدمات جابه‌جا می‌گردید و میزان آن اندازه کم بود که می‌توان از آن گذشت. ولی پس از تونل اول دوم و باز انتقال از چشمه‌لنگان و خدنگستان که ورودی به سیستم حوضه زاینده‌رود هستند و به دنبال آن کانال‌های انتقال آب به یزد، کاشان، نایس و... به کار افتادند. برداشت‌ها بیشتر با پمپاژ و دبی ثابت انجام می‌شد، درحالی که ورودی‌ها سرریز سدهایی هستند که بسته به بارش و سطح آب پشت سد، دارای دبی متغیراند. همچنین طرح‌هایی به نام آبخیزداری نیز میزان دبی از حوضه‌های مبدأ انتقال را کاهش دادند و بیلان ورودی به خروجی متغیر شد. بنابراین ورود و خروج آب از زاینده‌رود ناپایدار شد. اگر به داده‌های حجم تالاب گاوخونی در گذر زمان بنگرم شاهد یک ناپایداری بزرگ خواهیم بود. این روند در جاری رودخانه هم خود را نشان می‌دهد. در سطح آبخوان‌ها نیز دچار ناپایداری هستیم و حتی در مخزن سد نیز همین روند را خواهیم یافت. بنابراین با قوت می‌توانیم بگوییم که شاخص کاهش و انباشت، خود بزرگترین نشانه از شاخص ناپایداری حوضه است. اگر تغییر اقلیم بر تولید و نزولات آسمانی بدانیم آنگاه با تغییر اقلیم، تغییر در تولید خواهیم بود. اگر هم بگوییم تغییر اقلیم در کل نزولات، تغییر زیادی نداشته و بیشتر نوع نزولات را از برف به باران تغییر داده و آورد یکسان بوده است، آنگاه باید به سراغ مصرف رفت. اگر تخصیص‌ها و توسعه‌های شهری، صنعتی، کشاورزی، تجاری و... را بررسی کنیم همواره مصارف روبه‌فزونی است و در بهترین حالت که تولید ثابت باشد بیلان بین تولید و مصرف، کمبودی برابر چندین آورد حوضه را نشان می‌دهد. بنابراین در شاخص تولید و مصرف هم دچار ناپایداری هستیم.



است و از چند وجه می‌خواهد سیاست را به کار بندد تا با یک تیر چندین نشان بزند. پژوهش‌های کیفی را در حوضه آبریز با هدف احیای حوضه انجام می‌دهد و در برابر ناپایداری در حوضه مدیریتی، واکنشی را در پیش می‌گیرد. هیچ برنامه کاربردی‌ای ندارد اما گرایش درمان‌سازی را دارد و برای حل مشکل ناپایداری در حوضه به دنبال رفع مشکل است، نه حل آن. این نگرش را در میان مدیران ادواری که با رای‌گیری دوره آنها پایان می‌یابد بسیار می‌توان یافت چون همه چیز را در دوره بعدی باید به کسی دیگر واگذار کند. پروژه‌هایی مانند انتقال آب دریا از این دست دیدگاه‌هاست. زیرا هزینه انتقال را صنعت می‌دهد و پژوهش‌هایش را هم غیر خودی‌ها انجام نمی‌دهند. اثرات اجتماعی در مبدأ برداشت آب نیز در حال حاضر خود را نشان نمی‌دهد. اثرات زیست‌محیطی این پروژه‌ها نیز آنچنان آشکار نیست که به این زودی پیدا شود. اثرات تورم حاصل از هزینه این آب‌گران تا زمانی که یارانه روی انرژی هست، سال‌ها زمان می‌خواهد تا پژوهش شود. درباره کمبود انرژی برای انتقال نیز تا زمانی که هنوز خط تولید انرژی به زیر خط مصرف بیاید، چند سالی زمان داریم. اگر قانونی هم برای عدم مصرف آب زاینده‌رود در ازای دریافت آب دریا باشد، کو تا بازاری اجرایی قانون چنین قدرتی را در برابر صاحبان سرمایه پیدا کند. اگر هم اجرا شود، حجم آن چنان کوچک است که در برابر بیلان منفی حوضه زاینده‌رود عددی به حساب نمی‌آید. مطالبه‌گران در این دیدگاه، کندن موی از خرس را غنیمت دانسته و هرگونه جبران کمبود آب را مسکنی برای درد امروز می‌دانند.

در سطحی بالاتر «آینده‌نگاری» را داریم. رهبری حوضه آبریز با چنین دیدگاهی به دنبال استعمار منابع است زیرا می‌داند با گذر زمان مرمت‌ها پاک و مشکل دوباره آشکار می‌شود. بنابراین سیاست بهسازی را در پیش می‌گیرد. اما پژوهش‌های آن کمی است و همواره اعداد تخصیص‌ها، سهم‌ها و مصارف را مرور می‌کند تا در آینده با کمبود روبه‌رو نشود. هدف، رشد و توسعه است و با وضعیت ناپایدار، حوضه چاره‌ای جز زیاده‌خواهی در پیش ندارد. حامیان نگاه آینده‌نگر علاوه بر پذیرش پروژه‌هایی که در دیدگاه اکنون‌نگر نقش مسکن را دارند، گرایش به سیاست مناسب‌سازی مانند ساخت سد و تونل دارند. این دیدگاه برای مشکل ناپایداری

به دنبال گشایش مشکل است اما هنوز از عهده حل آن برنمی‌آید. مدیران ثابت یا بلندپایه مانند وزارت نیرو، سهام‌داران و حقایه‌داران بیشتر چنین دیدگاهی دارند. همان‌گونه که ناپایداری درون حوضه زاینده‌رود، پیامدی بوده که به دلیل انتقال آب به بیرون از حوضه با همین دیدگاه مدیریتی بوده است اما باز همین دیدگاه، اجازه می‌دهد همین ناپایداری به منطقه دیگری گسترش یابد. مطالبه‌گران در چنین دیدگاهی همواره به دنبال انتقال آب از حوضه‌ای نزدیک با حداقل هزینه توسط سازه‌های آبی هستند که آب بدون مصرف انرژی و با پای خود بیاید. اینکه مهم نیست در مبدأ انتقال آب چه اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی روی می‌دهد یا مشکل از جایی به جایی دیگر و از زمانی به زمان دیگر و از موضوعی به موضوعی دیگر بدل شود از بخش رهبری استعمارگونه این دیدگاه است. مطالبه‌گران با چنین دیدگاهی به دو دسته کنش‌گران بالادست و کنش‌گران پایین‌دست، دسته‌بندی می‌شوند که کنش‌گران بالادست از نبود منابع آبی و زیاده‌خواهی کنش‌گران پایین‌دست، مطالبه‌گری می‌کنند و کنش‌گران پایین‌دست از وفور منابع و برداشت بیش از اندازه در بالادست شکایت دارند.

و اما آخرین و بالاترین دیدگاه برای حل مشکل ناپایداری در حوضه زاینده‌رود، «آینده‌نگاری» است، دقت کنید که آینده‌نگاری متفاوت است؛ منظور از «آینده‌نگاری» و به معنی داشتن برنامه‌ای منسجم است که بتواند از عهده تغییر در آینده برآید. رهبری حوضه در چنین دیدگاهی باید خلاقانه عمل کند. چنین دیدگاهی نیاز به سیاست‌های انقلابی دارد و نیازمند پژوهش‌هایی کیفی با تجزیه و تحلیل است. زیرا هدف در این دیدگاه برخلاف دیدگاه آینده‌نگر توسعه‌ای-کیفی است. مدیریت باید بتواند بنیادگرا باشد تا از زیر بنا یک گرایش کمال‌گرا را برنامه‌ریزی کند، داشتن یک برنامه همه‌جانبه و اصولی بر پایه مبانی برنامه‌ریزی محیط زیست است که می‌تواند حلال مشکل ناپایداری در این حوضه آبریز باشد. شوربخانه در این ۲۰ ساله با همه مطالبه‌گری و قول‌وقرارها و همه وعده‌هایی که داده شده هنوز برنامه‌ای که بتوان نام آن را «برنامه» نامید یا شاخص‌های برنامه را در آن یافت، ارائه نشده است. طرح‌هایی مانند طرح ۹ ماده‌ای نیز که در زاینده خشک! رو غرق شدند و اثری از آنها یافت نشد، هرچند اجرا شدن‌شان بهتر از کنار گذاشتن‌شان بود اما از جنس برنامه نبوده‌اند.

اگر بنا باشد با روشی سیستماتیک، مطالبه‌گری درخور حوضه آبریز زاینده‌رود را پیگیری کرد برای پایداری این سیستم چه بهتر که با دیدگاه آینده‌نگاری به دنبال حل سیستماتیک مشکل حوضه زاینده‌رود باشیم. لذا نیازمند به رهبرانی خلاق با سیاست‌های انقلابی هستیم تا پژوهش‌هایی کیفی را با هدف توسعه کیفی و با به کار بستن یک مدیریت بنیادگرایانه رهبری کنند. گرایش چنین مطالبه‌گری‌ای، کمال‌سازی برای حل مشکل است. در این صورت این مطالبه‌گری باید خود را سازمان‌های خود را به سلاح دانایی در سطح فرداندیشی مسلح کنیم تا بتوانیم در رویکرد حل مشکل، تخصص‌های غیرهم‌سطح را بر مبنای یک اصول و روش تشخیص دهیم. توانایی داشته باشیم تا این دانش‌های چندسطحی را تنظیم و سازماندهی کنیم. همچنین در این سازماندهی دانش‌ها، اهداف هر دانش را درون یک سامانه چندهدفی برنامه‌ریزی کنیم تا مراتب دانش به‌گونه‌ای شناور و منعطف، کاربردی‌تر شوند. در این صورت است که مطالبه‌گری با رهبری همه تخصص‌ها و هماهنگی واحد از سطوح مجزا و سازماندهی شده، از علوم را خواهد داشت. پس از یافتن چنین سطحی از کنش‌گری، تازه آماده خواهیم بود تا راهبردها و استراتژی‌های این حوضه آبریز را پایه‌ریزی کنیم.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی الموت غربی تصرفات مالکانه و باامراض متقاضی محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به این واحد ثبتی تحویل نمایند بدیهی است در صورت انتقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱- خاتم ناهید زارعی فرزند بمانعلی به شماره شناسنامه ۱۷۹۳ برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۹۱۰۰۰۰۰۴۵ نسبت به مساحت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی و باغ به مساحت ۲۵۶۵/۵۰ متر مربع از پلاک ۵۳ اصلی بخش ۱۷ قزوین الموت غربی، راز میان تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

سراج مراقی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک الموت غربی
شناسه آگهی: ۱۷۶۰۲۵۳
۲۳۶

آگهی تحدید حدود اختصاصی

خانم ناهید زارعی فرزند بمانعلی به استناد پرونده شماره ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۹۰۱۰۰۰۰۰۰۰۲ صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی و باغ به مساحت ۲۵۶۵/۵۰ متر مربع واقع در رازمیان پلاک ۱۳۸ فرعی از ۵۳ اصلی بخش ۱۷ قزوین را درخواست نموده است که رسیدگی پرونده فوق منجر به صدور رای شماره ۱۴۰۳۰۳۰۹۱۰۰۰۰۰۴۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۱ هیات تعیین تکلیف گردیده و مورد تأیید قرار گرفته است لیکن چون مورد تقاضای فوق تاکنون تحدید حدود نشده است لذا تحدید حدود پلاک مذکور در روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۰ در ساعت ۹ صبح به اتفاق نماینده و نقشه بردار این واحد در محل وقوع ملک بعمل خواهد آمد بدینوسیله به مالکین مجاور اخطار میشود در روز و ساعت مقرر در آگهی در محل حضور بهم رسانند مجاورین معترض که در محل حضور نداشته باشند صورت مجلس تحدیدی لغایت ۳۰ روز اعتراض خود را به این اداره تحویل و با تقدیم دادخواست به مراجع ذیصلاح و بیاق ضائی تسلیم و گواهی تقدیم دادخواست مذکور را به این اداره تحویل نمایند.

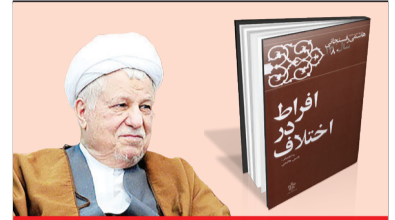
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک الموت غربی
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳
شناسه آگهی: ۱۷۶۰۲۴۰
۲۳۵

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌پار، امیر اقلتانی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، ۸ • تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۰۵۵

ادامه یکشنبه ۶ خرداد

انتقاد دوم‌خردادی‌ها از صداوسیما

عصر [آقای علیرضا زاکانی، رئیس سازمان بسیج دانشجویی همراه] مسئولان بسیج دانشجویی آمدند و گفتند، وضع دانشگاه بهتر از چند ماه پیش است و لیبرال‌ها و چپ‌ها متغفل شده‌اند و طرفداران دوم‌خردادی کم شده و بی‌تفاوت‌ها زیاد شده‌اند و خیلی‌ها می‌گویند، در انتخابات [ریاست جمهوری] شرکت نمی‌کنند و نظرم را در مورد نامزدهای انتخابات خواستند؛ جواب روشنی ندم. خواستند برای تبیین معارف اسلام با زبان روز و جواب شیوات، اقدام کنم.

آقای حسین مرعشی، [نماینده کرمان] آمد. گفت، فضای انتخابات در شهرستان‌ها سرد است و آقای [غلامحسین] کریسچی، [دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی] در جلسه سران دوم‌خردادی‌ها در حضور آقای [سیدمحمد] خاتمی، انتقاد تندی از آقای خاتمی کرد؛ به خاطر عدم توجه به سازندگی و عدم جلوگیری از سمپاشی‌های دوستانش علیه من و نیز عدم وفای به وعده‌ها و عدم استفاده از امکانات ارزی. گفت، در یک سنجش افکار اینترنتی، آقای خاتمی، اول بوده با ۴۳ درصد و آقای [احمد] توکلی، دوم با ۳۷ درصد و آقای [علی] فلاحیان، سوم با ۱۱ درصد ولی این نتیجه با داده‌های دیگر نظرسنجی‌ها نمی‌سازد.

دیشب، دادگاهی جلوی میتینگ [استاد انتخاباتی] آقای [سیدمحمد] خاتمی در روزشگاه شیرودی را گرفته بود اما امروز رئیس دادگستری [استان تهران] حکم دادگاه را لغو کرد؛ مساله بحث‌انگیزی شده است. چپ‌ها هیجان‌آفرینی می‌کنند. قاضی گویا اشتباه کرده است. دکتر [عبدالله] جاسبی، [نامزد انتخابات ریاست جمهوری] هم تلفنی گفت، از قاضی‌ای که پوسته‌های او را جمع کرده، شکایت کرده است. دوم‌خردادی‌ها از برنامه وسیع صداوسیما برای صحبت نامزدها، انتقاد دارند و می‌گویند، هدف این است که ۹ نفر علیه آقای خاتمی حرف بزنند.

دوشنبه ۷ خرداد

افتتاح نمایشگاه بین‌المللی صنایع برق

صبح برای افتتاح نمایشگاه بین‌المللی صنایع برق به نمایشگاه بین‌المللی [تهران] رفتم. یک ساعت از نمایشگاه بازدید کردم. حدود ۴۰۰ شرکت داخلی و خارجی - از تولید و انتقال و توزیع و مصرف - شرکت کرده‌اند. در مراسم [افتتاحیه] پس از استماع گزارش و خیرمقدم، آقای [حبیب‌الله] بیطرف، وزیر نیرو و آقای [سیدشمس‌الدین] حسینی، مسئول [روابط عمومی] نمایشگاه درباره اهمیت برق و آینده‌دار بودن صنایع برق و منابع و موقعیت عظیم ایران سخنرانی کردند.

تا عصر در دفترم کار کردم. آقای [مسلمان] فرهند، مسئول شبکه قرآن سیما آمد و درخواست کمک به برنامه‌هایشان با تدریس یا مصاحبه داشت. یک جلد کتاب فرهنگ قرآن به ایشان دادم که از روی آن برنامه بسازند. آقای [احمد] بلوکیان، نماینده سابق کاشمر همراه آقای حسینی از صنعتگران خراسان آمدند. شرحی از آثار مهم توسعه صنایع در دولت سازندگی و تضعیف آنها در دولت فعلی دادند و نیز آقای بلوکیان، مراتب امتنان مردم کاشمر از کمک‌های بی‌دریغ من به تأسیس کارخانه ریسندگی کاشمر را ابلاغ کرد؛ سهام آن برای عموم مردم است و تسهیلات ارزی و ریالی از دولت گرفته است.

ناگامی آزادی‌خواهی زنان

امضا و صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه



نیره خادمی گروه تاریخ

ماهه تبریز پشت جبهه بودند. زن حیدرخان از جمله زنان مشروطه‌خواه با کمک دیگر زنان برای ایجاد هماهنگی جهت آوردن علما به مسجد تلاش کرد و در واقع بازگشت علما از مهاجرت صغری، بستن بازار و حضور در ارگ برای گفت‌وگو با مظفرالدین‌شاه شاید اصلی‌ترین حضور زنانی چون او ممکن نبود. در آن زمان، عمه میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل هم مأموریت داشت تا نامه انجمن ملی را به شاه تحویل دهد. ربابه سیف‌السادات از دیگر زنان مشروطه‌خواه تبریزی بود که با وجود مخالفت برادرانش، جمعی از مبارزان مشروطه‌خواه را در منزل خود پناه داد. در قیام سستارخان و باقرخان برخی از زنان اسلحه به دست گرفتند و بعد با تشکیل انجمن‌ها و مدارس دخترانه و انتشار روزنامه به فعالیت سیاسی و اجتماعی پرداختند تا زنان بیشتری به آگاهی برسند. انجمن‌ها و تشکل‌های آنها که تا پیش از انقلاب مشروطه پنهانی بود با تشکیل مجلس از پیوستن بیرون آمد و در همان ابتدای راه، انجمن آزادی زنان را راه انداختند. وقتی منحل شد، انجمن مخدرات وطن را تأسیس کردند و پیگیر مسیر تجددخواهی شدند. همزمان با اولتیماتوم روسیه برای اخراج مورگان شوستر، گروهی از زنان از شهرهای اصفهان، قزوین و تبریز به سمت تهران حرکت کرده و با تظاهرات و صدور بیانیه، زنان ایرانی را به مقاومت در برابر اولتیماتوم فراخواندند. برخی در آستین سلاح گرم یا سرد داشتند و اخراج از خانه و حرمسرا هم آنها را از ادامه مسیر ناامید نکرد.

زنان در عصر قاجار

جنبش مشروطه به عنوان یک جنبش آزادی‌خواهانه و مطالبه‌گر حاکمیت قانون از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ تحولات سیاسی ایران است که اثرات زیادی در زندگی فرهنگی و سیاسی مردم و تاریخ کشور داشته است. جنبشی که به واسطه نارضایتی از حکومت قاجار، هرج‌ومرج و فساد اداری روزبه‌روز در میان مردم، تقویت شد. ارتباط مردم در عصر قاجار با کشورهای دموکراتیک و قانون‌مدار بیشتر شده بود و همزمان تأسیس دارالفنون و توسعه مدارس جدید، ایجاد پست و تلگراف در کشور، انتشار روزنامه‌های دولتی و غیردولتی و نشر اخبار ایران و جهان در میان مردم و اطلاع آنها از انقلاب در فرانسه، آمریکا و دیگر کشورهای جهان نیز باعث تسریع در روند انقلاب مشروطه شد. اگرچه این جنبش به همه اهداف خود نرسید اما زنان در جریان جنبش و پس از آن حضوری پررنگ‌تر از قبل پیدا کردند. زنان در دوره قاجار، چندان اجازه تحصیل نداشتند، برخی از آنها از ۵ سالگی به مکتب می‌رفتند تا ۹ سالگی. زنان در واقع تحت تاثیر تبعیض سیستماتیک روزگار می‌گذراندند و حتی حق اعتراض به چندهمسری مرد خانه را نداشتند. میرزا آقاخان کرمانی در همان زمان نسبت به شرایط تاریک زنان ایرانی در عصر قاجار انتقاد کرده بود: «زنان ایرانی نه تنها در نظرها خفیف و بی‌وقار و حقیر یا ذلیل، ضعیف و مانند اسیرند بلکه از دانش مهجور و از فخر بینش دور و از همه چیز عالم بی‌خبرند و از تمام هنرهای بنی‌آدم بی‌بهره و بی‌شمر. از معاشرت دور و در زاویه‌خانه‌های خراب، عنکبوت‌وار از خیال زنانه خویش می‌زیسته و بر وفق طبیعت خود می‌یافتند. شب همه شب در فکر اینکه به صد حيله از دست آن شوهر نامرد نمرودکردار شداد رفتار، گریبان خود خلاص کنند».

تلاش زنان برای تأسیس بانکی مستقل

زنان پس از صدور فرمان مشروطیت در روزنامه‌ها از لزوم تأسیس بانکی مستقل نوشتند و هر چه داشتند را به عنوان سرمایه در صندوق بانک گذاشتند. این نخستین حضور زنان در جریان آزادی‌خواهی و جنبش مشروطیت نبود، آنها پیش‌تر سهم خود را در هر چند اسدک و به قدر بضاعت آزادی و آگاهی آن زمان زنان، عهده‌دار شده بودند. دریافتن بودند که مشروطیت، زنان را یک قدم به تحقق حقوق سیاسی و اجتماعی‌شان نزدیک‌تر خواهد کرد بنابراین با مشارکت در تأسیس بانک، جای پای خود را محکم‌تر کردند. زنان در جنبش مشروطه سهم داشتند و از مشروطیت سهم خود را طلب می‌کردند. احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران به صدور فرمان مشروطه اشاره کرده که زنان برای حمایت از تأسیس بانک ملی و جلوگیری دولت از اقدام به اخذ وام از روسیه و انگلستان به یاری مجلس رفتند تا کشور در دام وابستگی به قدرت‌های خارجی نیفتد: «زنان گفت‌وگو از فروش گوشواره و گردنبند به میان آوردند. روزی پای منبر سیدجمال واعظ در مسجد میرزا موسی، زنی به پاخاسته چنین گفت: دولت ایران چرا از خارجه قرض می‌کند؟ مگر ما مرده‌ایم؟ من یک زن رختشویی هستم. به سهم خود یک تومان می‌دهم. دیگر زن‌ها نیز حاضرند» مورگان شوستر هم در اختتامی در ایران آورده

حضور پیدا و پنهان در عرصه‌های سیاسی

طلسم گوشه‌نشینی هرازگاهی با مشارکت پنهان زنان می‌شکست؛ زنان حرمسرای ناصرالدین‌شاه در نهضت تباکو، مشارکتی فعال داشتند. نقش آنها در بست‌نشینی مردم در سفارت انگلستان در زمان مظفرالدین‌شاه قاجار، چندان کم و بی‌تاثیر نبود و در زمان استبداد صغیر محمدعلی‌شاه و محاصره ۱۱

است: «زنان همه روزه پول‌های خود را برای اعانه مملکت خود می‌دادند و خدام وطن را تشویق کرده و در هر لحظه به چشم حسرت، مادرانه بر آنها می‌نگریستند. در آن موقع و آن ساعت وحشتناک حزن‌افزا که دل‌های مردان ضعیف شده و خوف حبس و زجر و دار و گلوله‌ریز شدن بر شجاع‌ترین اهل مملکت راه یافته و باعث خفقان قلب‌شان شده بود، زن‌ها کوتاهی نکرده و از دیگران عقب نماندند».

ناگامی در راه‌اندازی مدرسه

بی‌بی خانم استرآبادی از زنان تاثیرگذار مشروطه‌خواه، مدرسه دوشیزگان را به عنوان نخستین مدرسه زنان به راه انداخت اما سنت‌گرایان افراطی آن را تحمل نکردند و سرانجام باعث تعطیلی مدرسه شدند. سرنوشت مدرسه‌ای که «طوبی رشدیه» به راه انداخت هم به سرنوشت دوشیزگان دچار شد و تنها چهار روز پس از تأسیس، تعطیل شد. خانم دکتر کحال، نشریه دانش را در حوزه تخصصی زنان و آگاه‌سازی آنها منتشر کرد. روزنامه شکوفه به مدیریت خانم مزین‌السلطنه منتشر شد و صدیقه دولت‌آبادی، روزنامه زبان زنان را در اصفهان به چاپ رساند. دختر میرزاحسن رشدیه پس از تعطیلی مدرسه‌اش روزنامه بانوان را به دست گرفت تا به جنگ جهل برود. باچی خانم، خانم نواب سمیعی، منیره خانم، گلین خانم موافق، شمس‌الملوک جواهرکلام، فخرالملوک، خانم دکتر ایوب و نیز افتخارالسلطنه و تاج‌السلطنه، دختران ناصرالدین‌شاه از جمله دیگر زنان هستند که نام‌شان با تجددخواهی در عصر مشروطه گره خورده است.

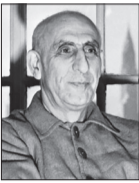
بزرگ‌ترین مانع هم‌چنان پارت‌جاست

با وجود تلاش زنان تجددخواه اما همواره چوب سنت‌گرایی افراطی و فرهنگ مردسالار به عنوان بزرگ‌ترین مانع، بالای سر آنان بود بنابراین تا همین امروز زمان و انرژی زیادی صرف شد تا جامعه زنان به حقوق خود به معنای خاص کلمه آشنا شوند. عصر مشروطه، بیشتر زمینه‌های آگاهی زنان را فراهم کرد و آنها تا امروز رشد کردند. توانستند حق سواد و تحصیل را بگیرند و با بالا رفتن سطح سواد و آگاهی به ویژه در دهه‌های اخیر، معنای حضور و مشارکت فعال در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی را بیشتر دریافتند. هنوز البته همان موانع را؛ اگرچه کم‌رنگ‌تر در مقابل خود دارند اما قوی‌تر و آگاه‌تر از گذشته به میدان آمده‌اند و حتی خود را در عرصه‌های جهانی مطرح کرده‌اند. زنان ایرانی در کشورهای دیگر توانستند مانند یاسمن مقبلی به فضا بروند یا مثل مریم میرزاخانی، ریاضی‌دان شوند و جایزه‌های جهانی ببرند؛ به پست‌های بالای مدیریتی از شهرداری تا وزارت برسند اما هنوز در اداره کشور خود چندان سهمی ندارند و حتی مبارزه آنان برای تغییر برخی قوانین خانواده ناکام مانده است، با این حال به مطالبه‌گری ادامه می‌دهند.

چهره

حبس و حصر

سالروز تبعید مصدق به احمدآباد



محمد مصدق، نخست‌وزیر ایران سه سال پس از ماجراهای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ وقتی تنها دو هفته تا پایان دوران محکومیت او مانده بود به روستای احمدآباد

از توابع استان البرز، تبعید شد. تعدادی سرباز و گروهیان مامور حفاظت مصدق ۱۳ مرداد برای انتقال او روانه احمدآباد شدند و او را بردند. درست ۱۰ سال و ۷ ماه در آن تبعیدگاه ماند تا اسفند سال ۱۳۴۵ که در همان جا دفن شد. مصدق را از زندان لشکر ۲ زهی به طور غیرقانونی و بدون حکم دادگاه به زندان بزرگ‌تری در زادگاهش بردند و در تمام آن مدت، اجازه خروج حتی به علت انجام معاینات پزشکی را نداشت. از همان روزهای نخست حضور او در احمدآباد، آزارها آغاز شد؛ یک روز، یک کامیون آدم، جلوی درهای قلعه پیاده شدند و علیه او شعار دادند. او که پیش از آن، پیشنهاد حضور محافظ را رد کرده بود در تماسی با سرهنگ علی‌اکبر مولوی گفت که «اکنون با روشی که در پیش گرفته‌اید، نیاز به محافظ دارم زیرا محل زندگی‌ام با زندان تفاوت ندارد و باید زندانبان داشته باشم». پس از آن چند ژاندارم با ۲ مامور مخصوص به آنجا رفتند و هرازگاهی هم عوض می‌شدند. کارایی این افراد هم بیشتر زندانبانی بود تا مراقبت به طوری که جز اعضای خانواده مصدق، کسی اجازه ورود به محوطه باغ را نداشت. سختگیری برای پیر احمدآباد از حدود ۶ ماه بعد بیشتر هم شد و او دیگر حتی حق نداشت که با اهالی روستا ارتباط یا ملاقاتی داشته باشد. او با همان روحیه‌ای که تا پیش از این و در جریان ملی کردن نفت و ارسال پرونده به دادگاه لاهه داشت، سختگیری‌ها را نپذیرفت در نتیجه تا حدی با اهالی روستا ارتباط داشت و برای آنها مدرسه و درمانگاه هم ساخت. نشستن در گوشه‌ای از یک باغ بزرگ برای مردی که همیشه در سر آرزوهای بزرگ داشت، سخت بود اما زمان را چاره‌ای جز گذشتن نبود و طول آن سال‌های تاریک و افسرده‌ای را برایش رقم زد. او به واسطه همین تهایی و افسردگی در اردیبهشت ۱۳۴۳

نامه‌ای به مظفر فیروز پسر نصرت‌الدوله، پسر دایی‌اش می‌نویسد و در آن لب به گلایه می‌کشد: «از حال من بخواهید مسکانه در قلعه احمدآباد می‌گذرد و اجازه خروج ندارم، تفریح و گردش هر وقت هوا سرد، نیست در حیاط و جلوی اطاق می‌گذرد و زندگی نامطوبعی را تحمل می‌کنم و این ایام هم به واسطه کسالت خانم بسیار ملول و افسرده بودم. فقط کسی که مرا می‌بیند، فرزندانم هستند که هر هفته، روز جمعه می‌آیند و چند ساعتی با من می‌گذرانند، یا اینکه در نامه‌های دیگر خیلی قبل‌تر در ۱۰ مهر ۱۳۳۹ خورشیدی به عبدالمجید بیات نواش می‌نویسد: قربان مجید عزیزم از این پیشنهادی که کردی و میله آهن در راه پله گذاشته شد، هر وقت بالا و پایین می‌روم به تو دعا می‌کنم چون که هیچ‌کس نبود، دستم را بگیرد و در دفعه احتمال پرت شدن بود و اکنون بدون عصا هم بالا و پایین می‌روم و یقین دارم از این طریق آسیبی به من نخواهد رسید. حسین عسکری، نویسنده و پژوهش‌گر چند سال پیش به ایسا گفته بود: «براساس اسناد تازه منتشر شده وزارت خارجه آمریکا که در سال‌های اخیر از وضعیت طبقه‌بندی امنیتی خارج شده، آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) در تلگرافی محرمانه به تیسار فضل‌الله زاهدی (از عوامل کودتای ۲۸ مرداد) توصیه کرده که مصدق را در اقامتگاهی در یک روستای کوچک محصور کرده و به شدت تحت نظر بگیرند. زاهدی در آن اسناد طبقه‌بندی شده، بی‌شرمانه اعدام بی‌درنگ مصدق را درخواست کرده بود. این تبعید از دو جهت حقوقی و سیاسی قابل بررسی است. از نظر حقوقی از همان سال‌های تبعید، حقوق‌دانان غیروابسته به حکومت پهلوی، این تبعید را عملی غیرقانونی دانستند چون این تبعید به حکم دادگاه نبوده بلکه به اراده دولت کودتا صورت گرفته بود؛ از دیگر سو، محاکمه نخست‌وزیر و وزیران براساس قوانین حکومت پهلوی از جمله آیین دادرسی کیفری وقت باید در دیوان عالی کشور صورت می‌گرفت، نه دادگاه نظامی».